

Thematic Analysis of Barriers to Popularizing the Economy with the Aim of Enhancing Citizen Participation

Ayoub Pazhouhan 

Department of Public Administration, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: Pazhouhan@pnu.ac.ir

Saba Amiri * 

Department of Management & Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran,
(Corresponding Author). Email: s.amiri@razi.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history :
Received 11 December 2024
Received in revised form 26 May 2025
Accepted 23 August 2025
Published online 16 June 2026

Keywords:
Citizen Participation,
Entrepreneurship, Iranian
Economy, Popularizing the
Economy.

ABSTRACT

Objective: Popularizing the economy requires the participation and empowerment of individuals in society to contribute to economic growth and development. The purpose of this study was to investigate the barriers to public participation in the Iranian economic system and to propose strategies for enhancing citizen participation in the country's economic activities.

Method: This applied research was conducted using a qualitative approach with thematic analysis. The study population consisted of executive managers, prominent experts, and academic scholars knowledgeable about the research topic. The sample size was determined based on the principle of theoretical saturation. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using open coding and the six-step process of Braun and Clarke. The validity, credibility, dependability, and confirmability of the data were examined using Lincoln and Guba's four criteria. Reliability was assessed through the test-retest method.

Findings: The findings revealed that the barriers to popularizing the economy consisted of 91 basic themes, 29 organizing themes, and 8 overarching themes. These overarching themes included economic barriers, structural barriers, legal barriers, educational and skill barriers, cultural barriers, political barriers, social barriers, and environmental and natural disaster barriers. Among these, economic and structural barriers were identified as the most significant obstacles to public participation in the economy.

Conclusion: Finally, a model of barriers to citizen participation in the Iranian economic system was developed, along with strategies to enhance public participation in economic activities and increase production. The findings of this study can assist entrepreneurs, managers, and economic policymakers in formulating effective policies and removing barriers to public participation in economic development and prosperity.

Cite this article: Pazhouhan, A., & Amiri, S. (2026). Thematic Analysis of Barriers to Popularizing the Economy with the Aim of Enhancing Citizen Participation. *Journal of Entrepreneurship and Innovation Research*, 5(1), 1-20.
<https://doi.org/10.22034/eir.2025.493367.1136>

Ethical Considerations: The authors avoided data fabrication, falsification, plagiarism, and misconduct.

Funding: This research did not receive any specific grant from funding agencies in the public, commercial, or not-for-profit sectors.

Conflict of Interest: The authors declare no conflict of interest.

Publisher: Scientific Association of Entrepreneurship & Innovation in IRAN.



تحلیل مضمون موانع مردمی سازی اقتصاد با هدف ارتقای سطح مشارکت شهروندان

ایوب پژوهان

گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: Pazhouhan@pnu.ac.ir

صبا امیری*

نویسنده مسئول، گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

رایانامه: s.amiri@razi.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: مردمی سازی اقتصاد مستلزم مشارکت و توانمندسازی افراد جامعه برای کمک به رشد و توسعه اقتصادی است. هدف پژوهش حاضر، شناسایی موانع مشارکت مردمی در نظام اقتصادی ایران و ارائه راهبردهایی جهت ارتقای سطح مشارکت شهروندان در نظام اقتصادی کشور بود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱	روش: این پژوهش از نوع کاربردی و با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. جامعه مورد مطالعه شامل مدیران اجرایی، صاحب نظران برجسته، خبرنگاران دانشگاهی و افراد آگاه به موضوع پژوهش بود. حجم نمونه بر اساس قاعده اشباع نظری تعیین شد. ابزار گردآوری داده ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. داده های گردآوری شده با استفاده از روش کدگذاری باز و فرایند شش مرحله ای براون و کلارک تحلیل شدند. همچنین، روایی، اعتباربخشی، صحت و استحکام داده ها بر اساس معیارهای چهارگانه لینکلن و گوبا مورد تأیید قرار گرفت و پایایی پژوهش نیز از طریق روش بازآزمون بررسی و تأیید شد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵	یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد که موانع مردمی سازی اقتصاد شامل ۹۱ مضمون پایه، ۲۹ مضمون سازمان دهنده و ۸ مضمون فراگیر است. این مضامین فراگیر عبارتند از: موانع اقتصادی، موانع ساختاری، موانع قانونی، موانع آموزشی و مهارتی، موانع فرهنگی، موانع سیاسی، موانع اجتماعی و موانع زیست محیطی و بلایای طبیعی. به زعم مشارکت کنندگان، موانع اقتصادی و ساختاری مهم ترین موانع فراروی مردمی سازی اقتصاد محسوب می شوند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱	نتیجه گیری: در نهایت، الگوی موانع مشارکت شهروندان در نظام اقتصادی ایران ارائه و راهبردهایی جهت ارتقای نرخ مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی و جهش تولید پیشنهاد شد. نتایج این پژوهش می تواند به کارآفرینان، مدیران و سیاست گذاران اقتصادی در راستای سیاست گذاری اثربخش و رفع موانع مشارکت مردم در توسعه و رونق اقتصادی کمک کند.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۶	کلیدواژه ها: اقتصاد ایران، کارآفرینی، مشارکت شهروندان، مردمی سازی اقتصاد.

استناد: پژوهان، ایوب و امیری، صبا (۱۴۰۵). تحلیل مضمون موانع مردمی سازی اقتصاد با هدف ارتقای سطح مشارکت شهروندان، پژوهش های کارآفرینی و نوآوری، ۵(۱)، ۱-۲۰.

<https://doi.org/10.22034/10.22034/eir.2025.493367.1136>

ناشر: انجمن علمی کارآفرینی و نوآوری ایران.

© نویسندگان.



۱. مقدمه

امروزه اساسی‌ترین معیار توسعه و رشد در هر کشوری، اقتصاد است. از این‌رو، بر پایه شاخص‌های موجود در اقتصاد، وضعیت توسعه‌یافتگی در هر کشوری ارزیابی می‌گردد (جلالی اسفندآبادی و صمیمی، ۱۳۹۳). از آنجایی که نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مردم‌سالاری دینی بوده و یکی از نمودهای مردم‌سالاری، مشارکت مردم در عرصه اقتصادی کشور است، بنابراین مشارکت مردم در اقتصاد می‌تواند نقش سازنده‌ای در پیشرفت انقلاب اسلامی داشته باشد (جنیدی و سلیمی، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، مشارکت مردمی، کلید توسعه جوامع انسانی محسوب می‌شود. مفهوم مشارکت و توسعه مشارکتی، از اواخر دهه ۱۹۵۰ در مباحث توسعه اقتصادی مطرح شد. مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی افراد در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به اهداف گروهی، یکدیگر را یاری و در مسئولیت کار شریک شوند. بررسی سیر تکامل و تطور جوامع بشری حاکی از این است که پیشرفت و توسعه پایدار هنگامی میسر شده است که انسان‌ها در جریان زندگی خود با یکدیگر مشارکت و همکاری داشته‌اند (بردی آنامرادنژاد و همکاران، ۱۳۹۲). افزون بر این، رونق اقتصادی و ارتقای سطح استاندارد زندگی در هر کشوری، تابعی از کمیت و کیفیت نظام تولید ملی آن کشور است. از این‌رو، برای تشویق و تحریک ساکنان هر کشور برای ورود به عرصه کوشش‌های مولد اقتصادی و نقش‌آفرینی، لازم است بسترسازی و فرایندسازی شود و محیط باز اقتصادی و قواعد حاکم بر آن، به‌گونه‌ای فراهم گردد که در آن، فعالیت‌های اقتصادی مولد و نقش‌آفرینی ساکنان کشور معنادار شود (جلالی اسفندآبادی و صمیمی، ۱۳۹۳).

شواهد موجود در مطالعات حاکی از این است که در حال حاضر بخش تولید کشور با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. درهم‌تنیدگی مسائل سیاسی و اقتصادی این مشکلات را تشدید نموده و باعث شده اقتصاد ایران از تاب‌آوری کافی برای مقابله با این فشارها برخوردار نباشد و کشور وضعیت نامطلوبی را تجربه نماید. با توجه به شرایط نامطلوب کشور در زمینه مسائل اقتصادی و تولیدی، رهبر معظم انقلاب اسلامی برای چندمین سال متوالی در انتخاب شعار سال توجه ویژه‌ای به بخش تولید داشته‌اند. این موضوع درحالی است که امسال توجه به تولید با کلیدواژه مهم و اساسی مشارکت مردمی همراه بوده است؛ چراکه مشارکت مردمی یکی از کلیدی‌ترین عناصر در دستیابی به اهداف اقتصادی به شمار می‌رود و در فرایند توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. افزون بر این، یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌هایی که هر کشور می‌تواند با اتکاء به آن، مراحل رشد و توسعه را طی کند، مشارکت مردمی است (احمدی، ۱۳۹۲). مشارکت مردمی شامل شفافیت، باز بودن فضای جامعه و چند صدایی بودن در حوزه عمومی جامعه است و نیازمند فضایی است که افراد بتوانند در تصمیم‌گیری‌هایی که در سرنوشت آنها مؤثر است تأثیرگذار باشند. با مشارکت مردمی زمینه‌های رشد، توانایی افراد جامعه و بروز خلاقیت‌ها فراهم می‌شود (بردی آنامرادنژاد و همکاران، ۱۳۹۲).

از آنجاکه یکی از مهم‌ترین مسائل کشور، ضعف در کارآمدی اقتصادی است و جهت رفع این مسأله سیاست‌ها و اسناد بالادستی در راستای کارآمد کردن اقتصاد جهت‌گیری شده است، بنابراین وجه مشترک این جهت‌گیری‌ها، مشارکت مردمی در عرصه اقتصادی است (حبیبی و باقری نصرآبادی، ۱۳۹۶). از سوی دیگر، با توجه به اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس پارادایم مردم‌سالاری دینی بنیان‌گذار شده است و یکی از مظاهر مردم‌سالاری دینی، حضور فعال و مشارکت مردم در تمام عرصه‌های اجتماعی و از جمله عرصه اقتصاد است، بنابراین احصاء و تبیین موانع مشارکت مردم در شکوفایی اقتصادی و رونق تولیدی در ایران و ارائه راهبردهایی جهت ارتقاء سطح مشارکت شهروندان، امری اجتناب‌ناپذیر است. افزون بر این، بر اساس مرور پژوهش‌ها و مطالعات تجربی پیشین، به‌نظر می‌رسد که تاکنون مطالعه‌ای نظام‌مند با استفاده از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون پیرامون سازه‌ی مردمی‌سازی اقتصادی و ارائه راهبردهای ارتقاء سطح مشارکت شهروندان در نظام اقتصادی ایران صورت پذیرفته است و این مهم از نگاه پژوهشگران مغفول مانده است. لذا، خلاء پژوهش در این خصوص از یک‌سو بیانگر ضرورت و اهمیت پرداختن به موضوع مذکور و از سوی دیگر حاکی از نوآوری پژوهش حاضر است. در نتیجه، این پژوهش در راستای پرکردن خلاء و شکاف نظری یاد شده و گسترش ادبیات موجود در حوزه مردمی‌سازی اقتصادی صورت پذیرفته است. از لحاظ عملی نیز این پژوهش می‌تواند به فرایند سیاست‌گذاری و تسهیل و بهبود تصمیم‌گیری مدیران در حوزه مردمی‌سازی اقتصادی کمک نماید. با این تفاسیر، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این دو پرسش است: نخست این‌که؛ موانع اصلی مشارکت مردمی در نظام اقتصادی و تولیدی ایران کدام‌اند؟ و دوم این‌که؛ جهت ارتقای سطح مشارکت مردمی در نظام اقتصادی و تولیدی ایران چه راهبردهایی وجود دارد؟

۲. مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مردم‌سالاری یکی از کهن‌ترین واژگان سیاسی است که قدمتی بیش از دوهزار سال داشته و هنوز در معرفی نظام‌های سیاسی از آن استفاده می‌شود. این نظام یکی از مشهورترین نظام‌های سیاسی در جهان امروز است که توانسته مقبولیت وسیعی در نیم قرن گذشته به دست آورد. رسیدن به رشد اقتصادی از جمله اهداف هر جامعه جهت افزایش رفاه مادی است. رشد اقتصادی به‌عنوان متغیری کلیدی در مباحث اقتصادی و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های قابل اندازه‌گیری جهت بررسی‌های علمی در جوامع امروزی تلقی می‌شود؛ به طوری که در مجامع علمی برای انجام مقایسه‌های اقتصادی از این شاخص استفاده فراوانی می‌شود (آهنگری و همکاران، ۱۳۸۹). در این راستا، عرصه اقتصاد یکی از عرصه‌هایی است که نیازمند مشارکت جدی مردم است. این عرصه دامنه وسیعی از مسائل اعم از بیکاری، رکود اقتصادی، ضعف در تولید داخل و فرهنگ غلط در مصرف را دربر می‌گیرد. اهمیت و ضرورت اهتمام به عرصه اقتصاد با نگاه مردم‌بنیاد از این حیث است که نخست در میان مدت امکان تحقق بسیاری از آرمان‌های بلند و دشوار را محقق می‌کند. در مرحله بعد، با توجه به اینکه مردم خود درگیر و متعهد به رسیدگی و پاسخ به بسیاری از مسائل می‌شوند، ضمن افزایش احساس اعتماد به نفس ملی، امکان رقابت با کشورهای جهانی و مقابله با دشمنان و استعمارگران را فراهم می‌کند. بنابراین، نقش‌آفرینی مردم در عرصه اقتصادی که اولویت و ضرورت فعلی کشور است مسیر را برای آن اهداف تسهیل می‌کند (حیبی و باقری نصرآبادی، ۱۳۹۶).

از سوی دیگر، الگوی مردم‌سالاری اقتصادی دینی با مبانی انسان‌شناختی خاصی در عرض الگوی سرمایه‌سالاری اقتصادی، نظام سرمایه‌داری و دولت‌سالاری اقتصادی نظام سوسیالیسم است. نظام جمهوری اسلامی ایران با طراحی و اجرای الگوهای مردم‌سالاری اقتصادی دینی می‌تواند از مشکلات اقتصادی رهایی یافته، به تولید ملی عدالت‌محور نائل گردد، تورم و رکود را مهار نموده، نرخ بیکاری را کاهش داده و با کمترین آسیب‌ها به مقابله توطئه‌های اقتصادی دشمنان برود. در الگوهای مردم‌سالاری اقتصادی دینی، همه مردم می‌توانند به معنای واقعی، متولی امور اقتصادی باشند و تمام گروه‌های فعال اقتصادی (صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده) به اهداف اقتصادی خود نائل شوند. الگوهای مردم‌سالاری اقتصادی دینی باید به گونه‌ای فراگیر باشند تا بستر فعالیت اقتصادی متناسب با روحیه و انگیزه‌های اقتصادی هر فعال اقتصادی فراهم شود (یوسفی، ۱۳۹۴). افزون بر این، مردمی کردن اقتصاد، فصل مشترک اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. مردمی کردن اقتصاد موجب تبدیل نقش منفعل و گاه غیر سازنده مردم به نقش فعال و سازنده در اقتصاد مقاومتی شده و در بلندمدت تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را تسهیل می‌نماید (سرخه‌دهی و نادری‌نژاد، ۱۳۹۵). بنابراین، اقتصادی که به‌عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد بوده و بر محور دولت شکل نمی‌گیرد. در این صورت افراد جامعه می‌توانند از استعدادهای خود استفاده نموده و نقش سازنده‌ای در اقتصاد کشور ایفا کنند. بر اساس منویات مقام معظم رهبری، در مؤلفه‌های اقتصاد مردمی می‌توان به مواردی همچون استفاده حداکثری از ظرفیت‌های داخلی، واگذاری اجرای فعالیت‌های اقتصادی به مردم (تعاونی‌ها)، توازن منطقه‌ای، تمرکززدایی و تأکید بر طبقات محروم اشاره کرد (محمدی‌پور و دیباوند، ۱۳۹۸). بنابراین، اگر قرار باشد مفهوم مردم‌سالاری دینی به صورت مسأله‌محور بررسی شود، یکی از مسائلی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، تحقق این نوع مردم‌سالاری از رهگذر اقتصاد مردم‌محور در ایران است. در این میان مطابق قانون اساسی، گسترش بخش تعاون، یکی از اهداف کلان و مرتبط با اندیشه انقلاب اسلامی و از وظایف حکومت اسلامی است (کراری و همکاران، ۱۳۹۸).

در ادامه مروری بر پیشینه تجربی مطالعات داخلی و خارجی پیرامون موضوع خواهد شد؛ لازم به توضیح است پژوهشی که منطبق با این مسأله باشد یافت نشد که نشان از شکاف نظری در مطالعات دارد و لزوم انجام پژوهش جدید را اجتناب‌ناپذیر کرده است. پژوهش‌های خارجی نیز به دلیل شرایط متفاوت محیطی و سیاست‌گذاری، برای ایران کارآ نخواهند بود و باید یک الگوی بومی و کاربردی طراحی شود.

در مطالعه آهنگری و همکاران (۱۳۸۹) با هدف بررسی ارتباط مردم‌سالاری و رشد اقتصادی: بررسی آمارهای ۶۲ کشور جهان، طی دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ و با استفاده از مدل داده‌های ترکیبی تأثیر مردم‌سالاری بر رشد اقتصادی، به این نتیجه دست یافتند که تخمین‌های اقتصادسنجی تأثیر مثبت و مهم مردم‌سالاری بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. همچنین رشد اقتصادی به‌طور منفی با تورم، جمعیت شهری، مخارج مصرفی دولت و به‌طور مثبت با سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌گذاری، رشد جمعیت، نیروی کار زنان و جمعیت فعال ارتباط دارد. بردی آنامرادنژاد و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با هدف بررسی نقش مردم در اقتصاد و مدیریت شهری شهر آمل، به این نتیجه دست یافتند که مشارکت شهروندان شهر آمل در توسعه پایدار شهری ضعیف است. یوسفی (۱۳۹۲) در پژوهشی با هدف ارائه الگوی مردم‌سالاری اقتصادی، بستر آزادی اقتصادی، نتیجه گرفت که بر اساس

مبانی بینشی و ارزشی اسلام، می‌توان الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالار را طراحی کرد که تمام نیروهای فعال اقتصادی اعم از صاحب سرمایه و نیروی کار (ماهر، نیمه‌ماهر و ساده) آزادی واقعی در عرصه اقتصادی داشته باشند و هر سه گروه صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده به هدف‌های خود از فعالیت اقتصادی دست یابند. جلالی اسفندآبادی و صمیمی (۱۳۹۳) در بررسی موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران در راستای سیاست‌های کلی ابلاغی نظام به این نتیجه دست یافتند که افزایش اندازه دولت، نوسان نرخ ارز و تورم دائمی، به‌عنوان مانعی جهت افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنایع ۵۰ نفر نیروی انسانی و بیشتر، هستند. در پژوهش دیگری، یوسفی (۱۳۹۴) اذعان نمود که آموزه‌های اسلامی ظرفیت لازم برای ارائه الگوهای مردم‌سالاری اقتصادی جهت تأمین اهداف تمام گروه‌های فعال اقتصادی و نیز تولید ملی پایدار عدالت‌محور را دارند. سرخه‌دهی و نادری‌نژاد (۱۳۹۵) نیز در مطالعه‌ای با عنوان اقتصاد مردمی؛ منطقه مشترک اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به این نتیجه دست یافتند که برخی از ارزش‌های فرهنگی و خلیقات نهادینه شده در جامعه ایرانی، ضد پیشرفت و اهداف اقتصاد مقاومتی است. این موضوع به‌عنوان یک چالش در حوزه عملیاتی کردن اقتصاد مردمی قابل توجه است. در این راستا سه رویکرد اصلی عبارتند از ناامنی و استبداد تاریخی حاکم بر جامعه ایرانی از دیدگاه نهادگرایی، اجرای سیاست‌های لیبرال سرمایه‌داری از دیدگاه اقتصاد سیاسی و شیوه عمل مسئولان و فرادستان در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی از جمله فساد و تجمل‌گرایی آنان از دیدگاه اقتصاد اسلامی. حبیبی و باقری نصرآبادی (۱۳۹۶) نیز در تبیین اولویت‌های نهادی برای رفع موانع کلیدی مشارکت مردم در جهاد اقتصادی به این نتیجه دست یافتند که ناکارآمدی ساخت‌های فرهنگی و اجتماعی، کم‌رنگ بودن فرهنگ کار و تلاش، ضعف سازوکارهای نهادی و تنظیمی، فرهنگ عمومی جامعه، وجود ساختارهای پیچیده و بوروکراتیک اداری، عدم تبیین در ست مفهوم مشارکت اقتصادی، موانع کلیدی در بحث مشارکت مردم در اقتصاد هستند. محمدی‌پور و دیباوند (۱۳۹۸) در بررسی اقتصاد مردمی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی؛ پیشنهادهایی برای قانون برنامه هفتم، به این نتیجه دست یافتند که بررسی برنامه‌های توسعه از جنبه توجه به مردم در طراحی و شکل‌گیری اقتصاد نشان می‌دهد علیرغم اینکه مردم یکی از مهم‌ترین ارکان آن در مبانی در نظر گرفته می‌شود، اما آنطور که باید بر اصلاحات اساسی و ایجاد رویه‌های مثبت در برنامه توجه نشده است. هرچند که در برنامه اخیر نسبت به برنامه‌های قبلی بیشتر به این مهم پرداخته شده، اما باز هم صرفاً به بیان برخی کلیات و مواد در مورد حمایت از تعاونی‌ها و مباحث به ظاهر مرتبط خصوصی‌سازی اکتفا شده است. به نظر می‌رسد دستیابی به این مهم، نیاز به اصلاحات ساختاری و بنیادی در محتوای برنامه‌ها داشته و صرف ارایه مواد و بندهای کلی و آن هم در اغلب موارد، احاله موضوع به تدوین آیین‌نامه توسط دستگاه‌های اجرایی، نمی‌تواند منجر به تحقق آن اهداف شود. کراری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تحقق مردم‌سالاری دینی از رهگذر اقتصاد مردم‌محور در ایران مطالعه موردی: شناسایی مشکلات بخش تعاون استان اصفهان، به این نتیجه دست یافتند که عدم اجرای اسناد بالادستی و عدم حمایت از بخش تعاون به‌ویژه حمایت مالی، از جمله حیطه‌های اصلی مشکل‌آفرین در گسترش بخش تعاون استان اصفهان هستند. جنیدی جعفری و سلیمی (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با هدف بررسی نقش مردم در اقتصاد از منظر مقام معظم رهبری به این نتیجه دست یافتند که عرصه‌های مشارکت مردم در اقتصاد عبارتند از سرمایه‌گذاری در تولید و صنعت، استعدادها و ظرفیت‌ها، ابتکارها، نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها، خرید محصولات ایرانی، تولید محصول باکیفیت، فروش کالای ایرانی، بازاریابی محصولات داخلی در بازارهای خارجی، شناسایی و حل مسائل علمی-پژوهشی، ایجاد ثروت، رفع مسأله اشتغال، کارهای صنعتی و کشاورزی، پرداخت مالیات بر تولید و کسب‌وکار، فرهنگ‌سازی، کمک به محرومیت‌زدایی، کمک‌های فکری و علمی، ایجاد نهادهای مردمی جهت جلب سرمایه‌های اندک مردم و برداشتن موانع تولید. شوهد موجود در پژوهش احمدی (۱۴۰۲) نیز حکایت از این دارد که الگویی که بتواند با جلب مشارکت عمومی باعث شکوفایی اقتصادی و رونق تولید شود، باید در گام نخست به‌دنبال احیاء اعتماد عمومی باشد. این مهم از طریق مبارزه قاطع با فساد، اثربخش کردن مجازات و پرهیز از شعارزدگی، عمل به وعده‌های مسئولان، صداقت و شفاف بودن مسئولان با مردم، تقویت مسئولیت‌پذیری و تقویت فرهنگ پاسخ‌گویی در میان مسئولان امکان‌پذیر است. علاوه بر این، گام‌های دیگری مانند تلاش برای ایجاد ثبات در اقتصاد کلان با توجه جدی به خرد جمعی خبرگان و نخبگان اقتصادی و تصمیم‌گیری دولتمردان، با در نظر گرفتن اصول و قوانین اقتصادی، بهره‌گیری از فرصت‌های نوظهور در اقتصاد دیجیتال، بهبود و وضعیت امور صندوق توسعه ملی و در نتیجه، تلاش برای افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، تلاش برای کوچک و چابک‌سازی دولت و افزایش بهره‌وری با کاهش فشارهای داخلی بر تولیدکنندگان و بخش خصوصی امکان‌پذیر است. حسینی‌فرد و همکاران (۱۴۰۲) در تبیین مفهوم اقتصاد مردمی از منظر دوگانه اصالت فرد و جامعه، اذعان نمودند که اقتصاد مردمی این قابلیت را دارد که به هر دو دغدغه آزادی فردی و همبستگی اجتماعی پاسخ گوید. نتایج بررسی الزامات و راهکارهای مشارکتی کردن اقتصاد به کمک تعاونی‌ها

توسط ندیری و همکاران (۱۴۰۳) مبین این است که شناخت و توانمندسازی حوزه تعاون و تعاونی‌ها از طریق تدوین نظام نامه آموزش، تخصیص هدفمند و بهینه منابع، تسهیل‌گری و تنظیم‌گری صحیح در این عرصه به منظور خلق ارزش اقتصادی و اجتماعی حوزه تعاون و تعاونی‌ها، باید در بازنگری قوانین و مقررات این حوزه مورد توجه متولیان امر قرار گیرد. همچنین، شواهد موجود در مطالعه‌ی عبدالمحمد سقا و طاهری (۱۴۰۳) با عنوان موانع مشارکت مردم در امور عمومی و بیان راهکارهای ارتقای آن برای گسترش مشارکت همگانی در راستای سیاست‌های کلی برنامه‌ی چهارم توسعه، حکایت از این دارد که در زمینه‌ی مشارکت افراد در اداره‌ی عمومی، بیش از چهل معضل وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در چهار گروه حقوقی-سیاسی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و فنی دسته‌بندی کرد؛ همچنین از نظر بسیاری از محققان، موانع فرهنگی-اجتماعی مهم‌ترین چالش‌های موجود بر سر راه مشارکت مردمی است و در رتبه بعدی موانع سیاسی - حقوقی قرار دارند.

در مطالعات خارجی براون^۱ (۱۹۷۰) پژوهشی پیرامون بررسی موانع مشارکت سیاه‌پوستان در اقتصاد آمریکا انجام داد. در این مطالعه این نتیجه حاصل شد که تلاش برای ترسیم مسیر توسعه اقتصادی منطقی اما مؤثر برای سیاه‌پوستان در آمریکا به دلیل نابرابری‌گرایی مضاعف جامعه آمریکا، کار بسیار دشواری است. از یکسو، درآمد و ثروت (و البته ناگزیر قدرت) بدون توجه به نژاد در آمریکا چنان ناعادلانه توزیع می‌شوند که در واقع باید برای بازسازی کامل اقتصاد، یک پرونده قدرتمند ایجاد کرد. از سوی دیگر، جامعه چنان گرفتار نابرابری نژادی و تعصب نژادی است که سیاه‌پوستان زیرک به درستی در مورد حمایت کورکورانه از هر یک از جنبش‌های متعدد برای تغییر اقتصادی انقلابی در آمریکا تردید دارند. چنین جنبش‌هایی ناگزیر توسط سفیدپوستان رهبری و تأمین مالی می‌شوند؛ بنابراین، حتی اگر در ایجاد تغییرات اقتصادی انقلابی موفق باشند، هیچ تضمینی ارائه نمی‌دهند که سوسیالیسم سفید بیش از سرمایه‌داری سفید از نژادپرستی عاری باشد. راکو^۲ (۲۰۰۰) با هدف ارزیابی مشارکت جامعه در توسعه اقتصادی محلی و ارائه درس‌هایی برای سیاست شهری جدید به این نتیجه دست یافت که ساختارهای مشارکتی داوطلبانه و از بالا به پایین در سیاست‌های موجود تنها ممکن است به مشروعیت بخشیدن و اجرای تصمیم‌های سیاستی اتخاذ شده توسط آژانس‌های بازآفرینی قدرتمند غیرمحلی پاسخگو باشد. استیگلیتز^۳ (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «مشارکت و توسعه: دیدگاه‌هایی از پارادایم توسعه جامع» به این نتیجه دست یافت که ایجاد اجماع، گفتگوی باز و ارتقای جامعه مدنی فعال، عناصر کلیدی توسعه پایدار بلندمدت است. به زعم ایشان، توسعه یک فرآیند مشارکتی است. «بهترین شیوه‌ها» یا اصلاحاتی که از طریق مشروط بر یک کشور تحمیل می‌شوند، ممکن است نتوانند تغییری پایدار ایجاد کنند. آنها تمایل به تضعیف انگیزه‌های افراد برای توسعه ظرفیت‌های خود و تضعیف اعتماد آن‌ها در استفاده از هوش خود دارند. موفقیت در اقتصاد دانش‌بنیان، نیازمند شهروندانی با تحصیلات عالی است که در فرآیند شکل‌دهی و تطبیق ایده‌ها و سیاست‌ها مشارکت دارند. مشارکت و دموکراسی به نوبه خود نیازمند شفافیت و مسئولیت‌پذیری بیشتر در بخش‌های شرکتی و دولتی است. الدهیلان^۴ (۲۰۰۷) در رساله دکتری خود به این نتیجه دست یافت که عوامل جمعیت‌شناختی، مالی، اجتماعی اقتصادی، نگرشی و فرهنگی و همچنین سیاست‌های دولت بر وضعیت اشتغال زنان در عربستان سعودی تأثیرگذارند. تحلیل عاملی کیفی و کمی بر اساس ادراک زنان نشان داد که موانع مهمی نظیر مشکلات مسافت، حمل و نقل، تعطیلات طولانی، دیدگاه منفی نسبت به زنان شاغل، محیط کار مختلط، قوانین کار، تسهیلات مراقبت از کودکان بر مشارکت زنان در بازار کار و اقتصاد عربستان سعودی تأثیرگذارند. اسمیت و تیزدیل^۵ (۲۰۱۲) در بررسی چالش‌نظارتی در مردم‌سالاری و اقتصاد اجتماعی، نتیجه گرفتند که اقتصاد اجتماعی و مردمی، ابزار اصلاحات اجتماعی است. ماسیپا^۶ (۲۰۱۸) در بررسی چالش‌های اجتماعی-اقتصادی در راستای تحکیم مردم‌سالاری در آفریقای جنوبی به این نتیجه دست یافت که طرح‌ها و پروژه‌های مردم‌سالار باید در جهت کاهش نابرابری، ایجاد شغل و افزایش فرصت‌های اقتصادی برای شهروندان باشد. برای تحقق این امر، سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی باید به گونه‌ای بازسازی شوند که با سیاست اقتصادی مرتبط باشد. این مهم برای ارتقاء رفاه جامعه ضروری است. میا^۷ و همکاران (۲۰۲۲) در بررسی نقش مشارکت اجتماعی و برنامه‌ریزی مبتنی بر جامعه در توسعه پایدار جامعه، به این نتیجه دست یافتند که توسعه پایدار جامعه به مشارکت و برنامه‌ریزی جامعه بستگی دارد. این فعالیت‌ها شامل تأمین نیازهای اجتماعی و مالی شهروندان برای حمایت از آن‌ها است. بر اساس این دیدگاه، این پژوهش بر نقش مشارکت جامعه و برنامه‌ریزی مبتنی بر جامعه برای توسعه

¹ Browne

² Raco

³ Stiglitz

⁴ Al-Dehailan

⁵ Smith & Teasdale

⁶ Masipa

⁷ Mia

پایدار جامعه در محیط‌های متنوع تمرکز دارد. شواهد موجود در پژوهش گرلیچ^۱ (۲۰۲۳) با عنوان افزایش مصرف مشارکتی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا: بررسی تأثیر بسترهای اقتصاد مشارکتی بر رفتار مصرف‌کننده و مصرف پایدار، حکایت از این دارد که شیوه‌های مصرف مشارکتی در جامعه اروپایی با وجود تغییرات در روندهای اقتصادی جهانی همچنان در حال گسترش است. مشخص شده است که بخش کالاهای فیزیکی اولویت اقتصاد مشارکتی است. همچنین نشان داده شده است که پلتفرم‌های آنلاین اقتصاد مشارکتی در درجه اول به توزیع مجدد مصرف با محوریت الگوهای رفتاری نظیر کیفیت ارزش اقتصادی، مسئولیت اجتماعی و مصرف منطقی کمک می‌کنند. یافته‌های پژوهش سودیرجو^۲ و همکاران (۲۰۲۴) با عنوان راهبردهای آموزش کسب‌وکار مبتنی بر نوآوری برای تقویت مشارکت جامعه در توسعه اقتصادی محلی، نشان می‌دهد که آموزش کسب‌وکار مبتنی بر نوآوری، کلید اصلی تقویت مشارکت جامعه در توسعه اقتصادی محلی در عصر پویای کنونی است. این راهبردها بر ادغام فناوری در برنامه درسی، همکاری بین دانشگاه‌ها، صنایع و دولت، یادگیری عملی، توسعه آگاهی اجتماعی و مسئولیت تجاری، مشارکت مستقیم جامعه در فرآیند یاددهی-یادگیری، تحریک خلاقیت و کارآفرینی، ادغام با برنامه‌های توسعه جامعه و همچنین رویکردهای بین‌رشته‌ای برای حل مشکل تأکید دارند. براساس جمع‌بندی پژوهش‌ها و مطالعات تجربی پیشین، به نظر می‌رسد که تاکنون مطالعه‌ای نظام‌مند با استفاده از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون پیرامون سازه‌ی مردمی‌سازی اقتصادی و ارائه راهبردهای ارتقاء سطح مشارکت شهروندان در نظام اقتصادی ایران صورت نگرفته است و این مهم از نگاه پژوهشگران مغفول مانده است. لذا، خلاء پژوهش در این خصوص از یک سو بیانگر ضرورت و اهمیت پرداختن به موضوع مذکور و از سوی دیگر حاکی از نوآوری پژوهش حاضر است. در نتیجه، این پژوهش در راستای پر کردن خلاء و شکاف نظری یاد شده و گسترش ادبیات موجود در حوزه مردمی‌سازی اقتصادی صورت پذیرفته است. از لحاظ عملی نیز این پژوهش می‌تواند به فرایند سیاست‌گذاری و تسهیل و بهبود تصمیم‌گیری مدیران در حوزه مردمی‌سازی اقتصادی کمک نماید.

۳. روش‌شناسی

پژوهش کاربردی حاضر از لحاظ رویکرد پژوهش، کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد. تحلیل مضمون روشی است که در آن پژوهشگر از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگوهای درونداده‌ای و الگویابی برونداده‌ای، به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. در واقع تحلیل مضمون، کدگذاری و تحلیل داده‌ها است با هدف درک اینکه داده‌ها چه می‌گویند و چه اطلاعاتی ارائه می‌دهند. این نوع تحلیل در گام نخست به دنبال الگویابی در داده‌هاست؛ زمانی که الگویابی از داده‌ها حاصل شد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد و به عبارتی مضمون از داده‌ها نشأت می‌گیرد (کامرانی و همکاران، ۱۴۰۱). به عبارت دیگر، تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون، تنها روش کیفی خاصی نیست؛ بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های پژوهش کیفی مورد استفاده قرار گیرد. به‌طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای دیدن متن؛ برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب؛ تحلیل اطلاعات کیفی؛ مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ؛ و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (جنیدی و سلیمی، ۱۴۰۱). در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از رویکرد شش مرحله‌ای براون و کلارک^۳ (۲۰۰۶؛ ص ۳۵) به شرح جدول ۱ استفاده شد. دلیل استفاده از روش تحلیل مضمون در این پژوهش، این است که روش تحلیل مضمون، یک روش تفسیری است که از شمارش کلمات و عبارات آشکار، فراتر می‌رود و بر شناخت و تبیین ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند. سپس، از کدهای مضامین اصلی، برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود. شایان ذکر است که برخلاف سایر روش‌های پژوهش کیفی، روش تحلیل مضمون به چارچوب نظری وابسته نیست؛ از این‌رو می‌توان از آن برای امور مختلف و چارچوب‌های نظری متفاوت استفاده نمود. افزون بر این، روش تحلیل مضمون با روش تحلیل محتوا تفاوت‌های اساسی دارد؛ به این نحو که روش تحلیل محتوا یکی از روش‌هایی است که جهت شناسایی داده‌های الگوهای کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد و بیشتر بر سطوح خردتر تمرکز دارد؛ اما در روش تحلیل مضمون، واحد تحلیل، بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است و بیشتر به بافت داده‌ها و نکات ظریف آن‌ها توجه می‌شود (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

¹ Gerlich

² Sudirjo

³ Braun & Clarke

جدول ۱. مراحل شش گانه تحلیل مضمون: اقتباس از براون و کلارک (۲۰۰۶؛ ص ۳۵)

مرحله	شرح فرایند
۱- آشنایی با داده‌ها	نوشتن داده‌ها (در صورت لزوم)؛ خواندن و خواندن مجدد داده‌ها؛ یادداشت ایده‌های اولیه
۲- ایجاد کدهای اولیه	کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها به شیوه‌ای نظام‌مند در کل مجموعه داده؛ و جمع‌آوری داده‌های مربوط به هر کد
۳- جستجوی مضامین	تطبیق دادن کدها در قالب‌های بالقوه مضامین؛ و جمع‌آوری تمام داده‌های مربوط به هر مضمون بالقوه
۴- بررسی مضامین	بررسی مضامین بالقوه در رابطه با کدهای استخراج شده (سطح ۱)؛ و کل مجموعه داده‌ها (سطح ۲)؛ و ایجاد شبکه تحلیلی مضامین
۵- تعریف و نام‌گذاری مضامین	تجزیه و تحلیل مداوم برای اصلاح ویژگی‌های هر موضوع؛ و داستان کلی که تحلیل بیان می‌کند؛ و ایجاد تعاریف و نام‌های واضح برای هر موضوع.
۶- تدوین گزارش علمی	آخرین فرصت برای تحلیل؛ انتخاب نمونه‌های واضح و قانع‌کننده؛ تجزیه و تحلیل نهایی کدهای انتخابی؛ مرتبط کردن تحلیل به سؤال و ادبیات پژوهش؛ و تهیه گزارش علمی از تحلیل.

بر اساس فرایند تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶)؛ تلاش شد متون، اسناد و منابع کتابخانه‌ای، منابع اولیه و ثانویه، قوانین، پایگاه‌های داده و خبرگزاری‌ها، متن مصاحبه با مدیران اجرایی، صاحب‌نظران برجسته و خبرگان دانشگاهی و آگاه به موضوع پژوهش، گردآوری و تحلیل گردد و موانع مشارکت مردمی در نظام اقتصادی ایران مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد. جامعه مورد مطالعه را مدیران اجرایی، صاحب‌نظران برجسته، خبرگان دانشگاهی و مطلعان کلیدی به موضوع پژوهش تشکیل داد. نمونه‌گیری نظری و بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. معیار تعیین حجم نمونه، قاعده اشباع نظری بود. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه بود. داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش کدگذاری باز و فرایند شش مرحله‌ای براون و کلارک، مورد تحلیل قرار گرفت. به منظور اطمینان از روایی، اعتباربخشی، صحت و استحکام داده‌های پژوهش، از معیارهای چهارگانه نظیر قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال‌پذیری و تناسب، قابلیت اطمینان و ثبات، قابلیت تصدیق استفاده شد لینکلن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) استفاده گردید. شرح اقدامات صورت گرفته در زمینه ارزیابی روایی پژوهش در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. معیارهای ارزیابی روایی پژوهش

معیارها	شرح اقدامات
قابلیت اعتبار	جهت افزایش قابلیت اعتبار داده‌ها، از روش‌هایی نظیر درگیری طولانی مدت پژوهشگران با موضوع، تکنیک کنترل اعضاء و استفاده از روش‌های چندگانه گردآوری داده‌ها (روش مثلث‌سازی) از قبیل یادداشت‌برداری، ضبط صدا، مشاهده حالات و تجارب زیسته، چک کردن دست‌نوشته‌ها توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش جهت اطمینان از همسانی با تجارب آن‌ها، چک کردن کدها و طبقات استخراج‌شده توسط پژوهشگران به منظور بررسی صحت فرایند کدگذاری و حصول کدهای مشترک و استفاده از روش‌های مختلف گردآوری داده‌ها استفاده گردید.
انتقال‌پذیری	جهت افزایش قابلیت انتقال‌پذیری و تناسب، توصیف دقیق کلیه فرایند پژوهش به منظور فراهم آوردن امکان مسیر پژوهش و خصوصیات جامعه مورد مطالعه برای سایرین، استفاده از روش نمونه‌گیری با بیشترین تنوع و با انتخاب نمونه‌هایی که بیشترین آگاهی را داشتند، مورد توجه قرار گرفت.
قابلیت اطمینان	با مستند کردن مصاحبه‌ها شامل فایل صوتی و متن دست‌نویس، کدگذاری مجدد متن چند مصاحبه به فاصله چند روز توسط پژوهشگران و مقایسه نتایج با اولین کدگذاری جهت دستیابی به کدهای مشترک تأیید گردید.
قابلیت تصدیق	به منظور ارزیابی قابلیت تصدیق، از بازنگری چند تن از استادان خبره در زمینه پژوهش‌های کیفی جهت دستیابی به نتایج مشترک استفاده شد.

شایان ذکر است که پایایی داده‌های پژوهش نیز توسط روش کدگذاری مجدد و ضریب پایایی بازآزمون هولستی^۲ (۱۹۶۹) محاسبه گردید. بدین منظور، کدگذاری انجام شده، مجدداً توسط دو نفر از متخصصان و اساتید دانشگاه آشنا به مسأله، ارزیابی شد و ضریب توافق درون موضوعی برای کدگذاری‌ها بررسی گردید که عدد ۰/۷۵۹ حاصل گردید که نشان از پایایی دارد. همچنین بکارگیری رویکرد جامع و نظام‌مند در گردآوری داده‌ها، روش دیگری بود که اعتبار داده‌ها را تأیید کرد.

^۱ Lincoln & Guba

^۲ Holsti

۴. یافته ها

در این پژوهش، فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها، با استفاده از فرایند کدگذاری باز صورت گرفته است. کدگذاری باز شامل دو فعالیت کلیدی مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی داده‌ها است (کائو و یانگ^۱، ۲۰۱۹). طی فرایند کدگذاری باز، داده‌ها چندین بار مرور شدند و از طریق فهرست کردن نکات کلیدی بیان شده در متون و اسناد و مصاحبه‌ها، به هر عبارت معنایی یک برچسب یا کد نسبت داده شد. پژوهشگران با مراجعه به کدهای استخراج شده از متون و اسناد و با مطالعه عمیق آنها، کدهایی را که به یک مضمون اشاره داشتند و قرابت معنایی داشتند را در یک طبقه قرار دادند و سپس مضامین مرتبط با یک مقوله را نیز در سطحی انتزاعی‌تر، در یک مقوله قرار دادند. جدول شماره ۳ فرایند کدگذاری باز را نشان می‌دهد.

جدول ۳. مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از بررسی متون و اسناد (کدگذاری باز)

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
۱	مشکلات اقتصادی باعث شده مردم در تولید و اقتصاد مشارکت نکنند.	بی‌ثباتی اقتصادی
۲	عدم امنیت اقتصادی باعث کاهش انگیزه مردم در مشارکت شده است.	
۳	تورم بالا باعث شده که سود حاصل از تولید کمتر از تورم موجود در اقتصاد باشد.	تورم بالا
۴	تورم بالا هم به فعالیت‌های نامولد دامن می‌زند و هم موجب کاهش تولید در کشور می‌شود.	
۵	مردم برای حفظ ارزش نقدینگی، سعی می‌کنند به سمت خرید طلا، زمین، دلار و... بروند تا فعالیت‌های تولیدی	
۶	فعالیت‌های نامولد و قاچاق، سود بیشتری نسبت به فعالیت‌های تولید دارد.	سودآوری فعالیت‌های نامولد
۷	مشارکت مردمی به جای حرکت به سمت تولید، به سمت فعالیت‌های نامولد و دلالتی حرکت می‌کند.	
۸	بین اقتصاد ایران و اقتصادهای توسعه‌یافته تفاوت اساسی وجود دارد که مانع از مشارکت اقتصادی مردم در سطح خرد است.	ترکیب ناهمگون بخش‌های اقتصادی
۹	در کشورهای پیشرفته ابتدا انباشت دانش، تولید انبوه و انقلاب بهره‌وری حاصل شد و سپس خدمات رو به رشد گذاشت و بخش زیادی از خدمات، خدمات طراحی، تحقیق و توسعه و نوآوری است.	
۱۰	اما در ایران قبل از تولید، ابتدا خدمات را گسترش دادیم. از طرفی جنس خدمات در ایران غالباً از خدمات طراحی و توسعه‌ای نیست؛ بلکه بیشتر به صورت واسطه‌ای است.	
۱۱	اساساً وقتی تولید ضعیف باشد، گسترش خدمات در پیدایش خدمات مزاحم، غیرمفید و نامرتب با تولید انعکاس می‌یابد. در اینجا بخشی از خدمات ماهیت نامولد دارد؛ چراکه با جذب منابع به سمت خود، هزینه فرصت سرمایه‌گذاری در تولید را افزایش داده است.	
۱۲	حتی با فرض حرکت نکردن مردم به سمت فعالیت‌های نامولد، میل آنها به سمت خدمات است نه تولید کالا. علت آن نیز در ماهیت نادرست خدمات در اقتصاد ایران است.	
۱۳	در راستای سیاست انقباضی بانک مرکزی، کاهش شاخص نقدینگی بیشتر در مختصات اقتصاد ایران، موجب فشار هزینه بیشتر بر تولید است.	
۱۴	نظام بانکی برای مردمی کردن اقتصاد باچالش‌های فراوان مواجه است.	ناکارآمدی سیاست‌های پولی و مالی
۱۵	باید مراقب باشیم سیاست‌های انقباضی بخش تأمین سرمایه در گردش و ثابت تولید را دچار مشکل نکند، اما الان این اتفاق افتاده است.	
۱۶	تسهیلات بانکی یکی از موانع مشارکت مردم در جهش تولید است. اینکه دولت به دنبال کاهش رشد نقدینگی است، اتفاق بسیار بزرگی است؛ اما باید دید به چه قیمتی این اتفاقات رخ می‌دهد.	
۱۷	اگر می‌خواهیم به تولید کمک کنیم، باید نرخ بهای تمام‌شده را کاهش داد. در این شرایط مسلماً مردم نمی‌توانند با ایجاد بنگاه اقتصادی، پای تولید بایستند.	
۱۸	در شرایط فعلی از طرفی نرخ تورم بالایی داریم و از طرف دیگر نظام بانکی مجبور است متناسب با نرخ تورم سود سپرده‌ها را بالا ببرد تا بتواند سپرده‌های مردم را جذب کند و وقتی سپرده‌ها با درصد بالایی جذب شوند تسهیلات نیز با درصد بالایی در اختیار تولیدکننده قرار می‌گیرد و این روند، هزینه تولید را بالا می‌برد. بنابراین اقتصاد را باید از حالت بانک‌محور خارج کرد تا تسهیلات بانکی را با نرخ‌های پایین در اختیار تولیدکنندگان بگذاریم نه افرادی که بعضاً تخصص و تجربه در حوزه‌های اقتصادی ندارند و منابع را هدر می‌دهند.	
۱۹	وجود تودرتوی نهادی و قوانین مزاحم و موازی‌کاری نهادها و سازمان‌ها کارایی و کارآمدی لازم را در رفع موانع سیستم از بین برده است.	دیوان‌سالاری دولتی و موازی‌کاری نهادی

^۱ Cao & Yang

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده
۲۰	موازی کاری و تودرتوی نهادی، مانعی بزرگ بر سر رونق تولید کسب و کارهای کوچک و تعاونی‌هاست.	
۲۱	موازی کاری، نشستی سیستم را بالا برده و چابکی آن را تحلیل می‌برد، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری را کاهش می‌دهد، فساد را تکثیر می‌کند، ارتزاق از بودجه را افزون می‌کند و درنهایت هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده را متضرر و ناراضی می‌کند.	
۲۲	ستادها و شوراهای هماهنگی که اساساً فلسفه وجودی آنها ایجاد چابکی و رفع موانع تولید است، تا حد زیادی به ضد خود تبدیل شده‌اند.	فقدان چابکی نهادی
۲۳	حکومت‌داری ضعیف، فساد، عدم شفافیت و ظرفیت ضعیف نهادی می‌تواند سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را متوقف کند، رشد کسب‌وکار را متوقف کند و ایجاد شغل را محدود کند.	
۲۴	ظرفیت ضعیف نهادی می‌تواند با تضعیف اعتماد، ثبات و حاکمیت قانون، موافقی را برای مشارکت مردم در امور اقتصادی ایجاد کند.	
۲۵	ستاد مردمی‌سازی اقتصاد در نهاد ریاست جمهوری، به دلایل متعدد ظرفیت و کارآمدی لازم و اختیارات کافی را ندارد.	
۲۶	یک مانع مهم بر سر حضور و مشارکت مردم در تولید و اقتصاد، وجود رقیبی قدرتمند به نام دولت در اقتصاد است که حتی بخش خصوصی نیز قادر به رقابت با آن نیست.	اقتصاد دولتی و دستوری
۲۷	دولت باید حضور خود در اقتصاد را محدود به نظارت و هدایت منابع کند.	
۲۸	دولت باید از دخالت‌های مقداری و قیمتی غیرضروری و بنگاه‌محوری و بی‌مورد بپرهیزد.	
۲۹	وجود انحصارها و تبعیض علیه بخش خصوصی، از بین رفتن انگیزه برای سرمایه‌گذاری در بورس و وجود مشکلات در تضمین قراردادهای دولت با بخش خصوصی، ۳ مانع مشارکت مردم در اقتصاد است.	انحصارگرایی
۳۰	دادن پروژه‌های بزرگ به نهادهای عمومی با ترک تشریفات مناقصه	
۳۱	نهادهایی که بتوانند از منافع بخش خصوصی دفاع کنند نداریم و بخش خصوصی در برابر بخش دولتی بی‌دفاع است.	
۳۲	وجود انحصارها و تبعیض علیه بخش خصوصی	
۳۳	دولت‌ها هستند که به علت جذابیت تمرکز قدرت و ثروت در بنگاه‌های اقتصادی دولتی، تمایلی به واگذاری این مجموعه‌ها به بخش غیردولتی اعم از تعاونی‌ها و بخش خصوصی ندارند.	تمرکز قدرت و ثروت در بنگاه‌های اقتصادی دولتی
۳۴	در بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، پست‌های هیأت مدیره و مناصب مدیریتی به افراد همسو با دولت‌ها واگذار می‌شود و ثروت و گردش مالی این شرکت‌ها، زمینه‌ای برای سوءاستفاده از بزرگ‌های مختلف سیاسی را فراهم کرده است. بنابراین تمرکز ثروت و قدرت در بنگاه‌های بزرگ دولتی یکی از موانع از دست دادن این شرکت‌ها توسط دولت‌های مختلف است.	
۳۵	افزایش تصدی‌گری دولت در اقتصاد یک مانع جدی است.	تصدی‌گری دولتی و حکومتی
۳۶	دولت باید به نظارت، حمایت و هدایت در حوزه اقتصاد بپردازد.	
۳۷	بیشترین چالش نظام بانکی در بخش تصدی‌گری بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است که باعث شده این بنگاه‌ها جای بخش مردمی را در اقتصاد کشور تنگ کنند.	
۳۸	بخش‌های پرشماری از فعالیت‌های اقتصادی که موجب فربه شدن و ناکارآمدی اقتصادی قوه مجریه شده، باید به مردم سپرده شود، ظرفیتی که هر چند در قانون بر آن تصریح شده، اما در عمل معطل مانده است.	
۳۹	مردم خواستار کشوری پیشرفته و برخوردار هستند و برای بالنده شدن کشور و انقلاب پای کار هستند از این‌رو در تحقق مشارکت مردم مسؤولین وظیفه دارند.	
۴۰	وظیفه مسؤولین است که مردم را کمک حال خود بدانند نه رقیب.	
۴۱	نظام بانکی و صنعتی خود را شریک و همکار ملت بدانند و بدانند اگر قرار است بر مشکلات فائق شوند باید با آغوش باز، دست‌نیاز به سوی مردم دراز کنند.	تضعیف مردمی‌سازی تولید و اقتصاد
۴۲	لازم نیست که از مردم برای حضور در اقتصاد خواهش کنیم؛ زیرا آن‌ها پای کار بوده و کشور را از آن خود می‌دانند؛ از این‌رو اگر زمینه ورود آن‌ها فراهم شود، قطعاً همکاری می‌کنند.	
۴۳	مردم برای مشارکت در بخش‌های اقتصادی با موانع جدی روبرو هستند و از ظرفیت تعاونی‌ها و توسعه آن‌ها با نقش‌آفرینی مستقیم مردم استفاده نمی‌شود.	
۴۴	تضعیف بخش مردمی و بخش تعاونی در اقتصاد و عدم استفاده از ظرفیت بخش خصوصی به جای بخش دولتی در راستای افزایش تولید	
۴۵	قانون رفع موانع تولید به‌طور کلی خوب است، اما در اجرا دچار مشکل است.	

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده
۴۶	برای افزایش مشارکت مردم در اقتصاد نقش هر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه اهمیت دارد. ریشه برخی معضلات در قوانین و مقررات ناقص و بعضاً ناکارآمد، عدم اجرای درست قوانین و مقررات و همچنین عدم تضمین حقوق مردم و به ویژه فعالان اقتصادی است که رفع آن‌ها تلاش‌های هر سه قوه را می‌طلبد.	عدم اجرای اثربخش قانون رفع موانع تولید
۴۷	برای اینکه مردم وارد مشارکت در تولید شوند، باید فضای کسب‌وکار مناسب باشد و به‌زور نمی‌توان مردم را وارد اقتصاد کرد.	
۴۸	مردم زمانی می‌آیند که احساس کنند فضای کسب‌وکار برای آنها مناسب است.	
۴۹	نااطمینانی بخش خصوصی از چشم‌انداز سیاست‌ها با توجه به عدم کارآمدی و سودآوری محیط کسب‌وکار	نامساعد بودن محیط کسب‌وکار
۵۰	در بحث فضای کسب‌وکار سه مؤلفه عمده وجود دارد: بی‌ثباتی و پیش‌بینی‌ناپذیر بودن تغییرات قیمت‌ها از مواد اولیه تا محصول، دشواری تأمین مالی و قوانین و مقررات دست و پاگیر.	
۵۱	به‌طور کلی، بخش خصوصی داخلی و خارجی و همچنین حضور مردم در اقتصاد و تولید نیازمند محیط کسب‌وکار مناسب برای فعالیت است. هر قدر محیط کسب‌وکار مناسب‌تر باشد، ریسک‌های تجاری و غیرتجاری سرمایه‌گذاری و ریسک توسعه فعالیت‌های تولیدی کمتر و هزینه‌های مبادله در اقتصاد پایین‌تر خواهد بود.	
۵۲	نبود ثبات و امنیت کامل اقتصادی، کمبود قوانین نوین و منسجم، موانع جدی قانون کار، نبود ضمانت اجرایی برای برنامه‌های زمان‌بندی شده، شفاف نبودن عملکردها، زیان‌ده بودن شرکت‌های دولتی و کتمان حقایق و وقایع مالی شرکت‌های واگذاری شده	عدم شفاف‌سازی اطلاعات و مقررات
۵۳	برای عملیاتی‌شدن مشارکت مردم در اقتصاد نیاز به شفافیت داریم.	
۵۴	یکی دیگر از موانع تحقق مردمی شدن اقتصاد، ساختار بورس و عدم شفافیت در بورس است؛ زیرا بورس در کشور ما هنوز شفافیت لازم را ندارد تا سرمایه‌گذاران خرد بتوانند سرمایه خود را به بورس بیاورند.	
۵۵	دسترسی محدود به منابع مالی مانع مشارکت مردم در اقتصاد می‌شود.	دسترسی محدود به منابع مالی
۵۶	عدم دسترسی به منابع مالی مانند اعتبار، پس‌انداز و فرصت‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند افراد را از راه‌اندازی یا رشد کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری در آموزش یا مهارت‌آموزی یا دسترسی به خدمات ضروری باز دارد.	
۵۷	عدم دسترسی به منابع مالی می‌تواند فقر و محرومیت اقتصادی را تداوم بخشد.	
۵۸	افرادی هستند که بستر و ایده فعالیت تولیدی دارند، اما قادر به تأمین نقدینگی لازم برای ایجاد خط تولیدی نیستند.	عدم تأمین مالی فعالیت‌های کارآفرینانه
۵۹	مشارکت در تولید هزینه‌بر است و به سرمایه‌گذاری از ناحیه مشارکت‌کننده نیاز دارد؛ به همین دلیل برخی از مردم با وجود علاقه، نمی‌توانند مشارکت تولیدی داشته باشند. در اینجا ضروری است که نهاد مشارکت‌جو، یعنی دولت، امکان مشارکت مردم را پیش‌بینی و تأمین مالی آن را فراهم کند.	
۶۰	تأخوردی تأمین مالی از طریق وام و اعتبارات اشتغال‌زایی به‌دست دولت فراهم می‌شود؛ اما مسئله این است که در سایه نبود قوانین نظارتی و رصد منابع، اعتبارات اعطایی هدر می‌روند و به‌نوعی سیستم تأمین مالی دچار نشتی می‌شود.	
۶۱	دسترسی محدود به آموزش باکیفیت و آموزش مهارتی یکی از موانع مشارکت مردم در تولید است.	فقدان آموزش باکیفیت و مهارتی
۶۲	یکی از موانع اصلی مشارکت مردم، عدم دسترسی به آموزش و مهارت آموزی است.	
۶۳	دسترسی محدود به آموزش با کیفیت و آموزش مهارتی می‌تواند افراد را از کسب دانش و مهارت‌های لازم برای مشارکت مؤثر در اقتصاد باز دارد.	
۶۴	دسترسی محدود به آموزش با کیفیت و آموزش مهارتی می‌تواند منجر به سطوح بالای بیکاری، کم‌کاری و بهره‌وری پایین شود.	
۶۵	فراهم نبودن بستر لازم برای آموزش‌های فراگیر در جهت مشارکت و روش‌های حضور مردم در تولید	
۶۶	رسانه ملی و مدارس فنی‌وحرفه‌ای و کار و دانش آن‌طور که باید در راستای نهضت آموزش برای جهش تولید از طریق مشارکت مردمی فعال نیستند.	عدم استفاده از ظرفیت رسانه ملی و مدارس فنی‌وحرفه‌ای
۶۷	در یک شمای بالاتر نظام آموزشی ناکارا مانع دیگر مشارکت مردم در اقتصاد ایران است.	ناکارآمدی نظام آموزشی کشور
۶۸	شاهد نظام آموزشی ناکارا هستیم. کارکرد چنین نظام آموزشی، طولانی‌شدن دوره آموزش‌های کاربردی و افزایش سن ورود به کار، افزایش انتظارات نسبت به درآمد از کار به‌خصوص در سال‌های آغازین فعالیت شغلی	
۶۹	فاصله زیاد مهارت دانش‌آموختگان با نیاز بازار کار و درنهایت اثر آن را می‌توان بر کاهش مشارکت مردم در تولید و اقتصاد رؤیت کرد.	همراستا نبودن آموزش عالی با نیاز بازار
۷۰	عدم اثربخشی آموزش‌های ناظر به بازار کار و توانمند نبودن نیروی کاری	
۷۱	هنوز نگاه بسیاری از خانواده‌ها به استخدام دولتی و کار کارمندی است.	ضعف فرهنگ کار و کارآفرینی
۷۲	عدم تمایل به بهره‌برداری از فرصت‌ها و زمینه‌های کارآفرینی	
۷۳	فقدان تلاش و پشتکار در میان مردم	

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده
۷۴	ضعف فرهنگ سخت کوشی و تعهد کاری	
۷۵	ضعف تفکر کارآفرینی و ثروت آفرینی در میان مردم	
۷۶	کمرنگ بودن فرهنگ کار و تلاش در میان مردم	
۷۷	ضعف فرهنگ پاسخ گویی در میان مسئولان	
۷۸	ضعف سازوکارهای نهادی و تنظیمی فرهنگ عمومی جامعه	ناکارآمدی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی
۷۹	فرهنگ غلط در مصرف در میان مردم	
۸۰	ضعف در تدوین و اجرای برنامه های فرهنگی مرتبط با بیکاری	
۸۱	یکی از پیش نیازهای مشارکت مردم در اقتصاد، امیدآفرینی در کشور است. از این منظر دشمن و جریان رسانه های آن با یک جنگ شناختی سهمگین به دنبال ایجاد ناامیدی در جوانان و مسئولان ایرانی است تا نظام محاسباتی آنان را دچار تزلزل و اشتباه کند. اهمیت این مسئله تا آنجاست که رهبری فرمودند، شکست تحریم بدون شکست جریان تحریف امکان پذیر نیست.	تحریم و جنگ شناختی
۸۲	جریان شناختی حاضر در کشور در حال القای روح ناامیدی و فکر «ما نمی توانیم» است.	جریان تحریف و القاء روحیه ناامیدی
۸۳	دولتی که حکمرانی مجازی خود را در رسانه از دست دهد، توانایی لازم را برای ایجاد حرکت در توده مردم برای مشارکت های اجتماعی ندارد.	
۸۴	از بین رفتن انگیزه مردم برای سرمایه گذاری در بورس که یکی از مهمترین سازوکارهای جذب سرمایه های خرد و سرمایه های بزرگ مردم در اقتصاد است به دلیل مداخله دولت در سازوکار بازار به ویژه قیمت گذاری و عدم ثبات در تصمیم گیری ها درباره نرخ خوراک و سوخت صنایع	
۸۵	یکی دیگر از موانعی که در این سال ها باعث عدم استقبال و اعتماد مردم برای مشارکت در حوزه اقتصادی شده، خلف وعده ها و بعضاً سوء استفاده مجموعه های دولتی از اعتماد مردم است که نمونه بارز آن را در اتفاقات سال ۱۳۹۹ بورس مشاهده کردیم.	تقلیل و فرسایش سرمایه اجتماعی
۸۶	مشکلات در تضمین قراردادهای دولت با بخش خصوصی که نشانه های آن ابطال برخی قراردادهای واگذاری بنگاه های دولتی به بخش خصوصی و عدم جبران خسارت های مادی و معنوی است که به خریداران وارد شد و همچنین هزاران میلیارد تومان طلب بخش خصوصی به ویژه پیمانکاران از اجزای دولت است که متأسفانه ارزش آن روزبه روز کاهش می یابد.	
۸۷	نابرابری و تبعیض یکی از موانع جدی مشارکت مردم در جهش تولید و اقتصاد است.	تبعیض و نابرابری
۸۸	تبعیض جنسیتی، نژادی، قومیتی، مذهبی یا وضعیت اقتصادی-اجتماعی می تواند فرصت های مردم را برای مشارکت اقتصادی و پیشرفت محدود کند.	
۸۹	نابرابری در دسترسی به منابع، فرصت ها و قدرت تصمیم گیری می تواند این چالش ها را تشدید کند.	
۹۰	تخریب محیط زیست و تغییرات آب و هوایی می تواند اثرات نامطلوبی بر فعالیت های اقتصادی، معیشت و رفاه، به ویژه برای جمعیت های آسیب پذیر داشته باشد.	تخریب محیط زیست و تغییرات آب و هوایی
۹۱	بلایای طبیعی، کاهش منابع و آلودگی می تواند فعالیت های اقتصادی را مختل کرده و فقر مردمی را تشدید کند.	وقوع بلایای طبیعی متعدد

در ادامه، مضامین دسته بندی شده در جدول شماره ۴ ارائه گردیده است:

جدول ۴. مضامین سازمان دهنده و فراگیر حاصل از کدگذاری باز

ردیف	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱	بی ثباتی اقتصادی	
۲	تورم بالا	
۳	سودآوری فعالیت های نامولد	موانع اقتصادی
۴	ترکیب ناهمگون بخش های اقتصادی	
۵	ناکارآمدی سیاست های پولی و مالی	
۶	دیوان سالاری دولتی و موازی کاری نهادی	
۷	فقدان چابکی نهادی	
۸	اقتصاد دولتی و دستوری	موانع ساختاری
۹	انحصارگرایی	
۱۰	تمرکز قدرت و ثروت در بنگاه های اقتصادی دولتی	
۱۱	تصدی گری دولتی و حکومتی	

ردیف	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱۲	تضعیف مردمی سازی تولید و اقتصاد	
۱۳	عدم اجرای اثربخش قانون رفع موانع تولید	موانع قانونی
۱۴	نامساعد بودن محیط کسب و کار	
۱۵	عدم شفاف سازی اطلاعات و مقررات	
۱۶	دسترسی محدود به منابع مالی	
۱۷	عدم تأمین مالی فعالیت های کارآفرینانه	
۱۸	فقدان آموزش باکیفیت و مهارتی	موانع آموزشی و مهارتی
۱۹	عدم استفاده از ظرفیت رسانه ملی و مدارس فنی و حرفه ای	
۲۰	ناکارآمدی نظام آموزشی کشور	
۲۱	همراستا نبودن آموزش عالی با نیاز بازار	
۲۲	ضعف فرهنگ کار و کارآفرینی	موانع فرهنگی
۲۳	ناکارآمدی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی	
۲۴	تحریم و جنگ شناختی	موانع سیاسی
۲۵	جریان تحریف و القاء روحیه ناامیدی	
۲۶	تقلیل و فرسایش سرمایه اجتماعی	موانع اجتماعی
۲۷	تبعیض و نابرابری	
۲۸	تخریب محیط زیست و تغییرات آب و هوایی	موانع زیست محیطی و بلایای طبیعی
۲۹	وقوع بلایای طبیعی متعدد	

از مجموع مباحث مطرح شده در جداول ۳ و ۴، می توان الگوی شکل ۱ را به عنوان مدل پیشنهادی پژوهش ارائه کرد؛ لازم به توضیح است مضامین فراگیر نه تنها بر مردمی سازی اقتصاد تأثیر می گذارند، بلکه بر اساس تجزیه و تحلیل یافته ها، خود نیز دارای روابط و تأثیرهایی بر یکدیگر به شرح ذیل هستند:

الف. موانع اقتصادی

- اثرگذاری بر موانع ساختاری: بی ثباتی اقتصادی و ناکارآمدی سیاست های مالی می تواند منجر به ایجاد ساختارهای ناکارآمد و بوروکراسی بیش از حد شود.
- ارتباط با موانع قانونی: نوسانات اقتصادی، قوانین حمایتی ناکافی یا اجرای نامناسب قوانین را به دنبال دارد.
- اثرگذاری بر موانع اجتماعی: تورم و توزیع نابرابر ثروت می تواند تبعیض و کاهش سرمایه اجتماعی را تشدید کند.

ب. موانع ساختاری

- ارتباط با موانع آموزشی و مهارتی: ساختارهای ناکارآمد اداری می توانند فرصت های آموزش باکیفیت را محدود کنند.
- اثرگذاری بر موانع فرهنگی: ساختارهای دولتی و متمرکز ممکن است فرهنگ کارآفرینی را تضعیف کنند.

ج. موانع قانونی

- ارتباط با موانع اقتصادی: قوانین ناکارآمد یا نامناسب می توانند موجب محدودیت دسترسی به منابع مالی شوند.
- ارتباط با موانع اجتماعی: شفاف نبودن مقررات و قوانین می تواند موجب کاهش اعتماد اجتماعی شود.

د. موانع فرهنگی

- اثرگذاری بر موانع اجتماعی: ضعف فرهنگ کار و کارآفرینی ممکن است موجب کاهش انگیزه های اجتماعی برای مشارکت شود.

- ارتباط با موانع سیاسی: عدم ترویج ارزش های مشارکت می تواند زمینه ساز دخالت بیشتر سیاست های محدودکننده شود.

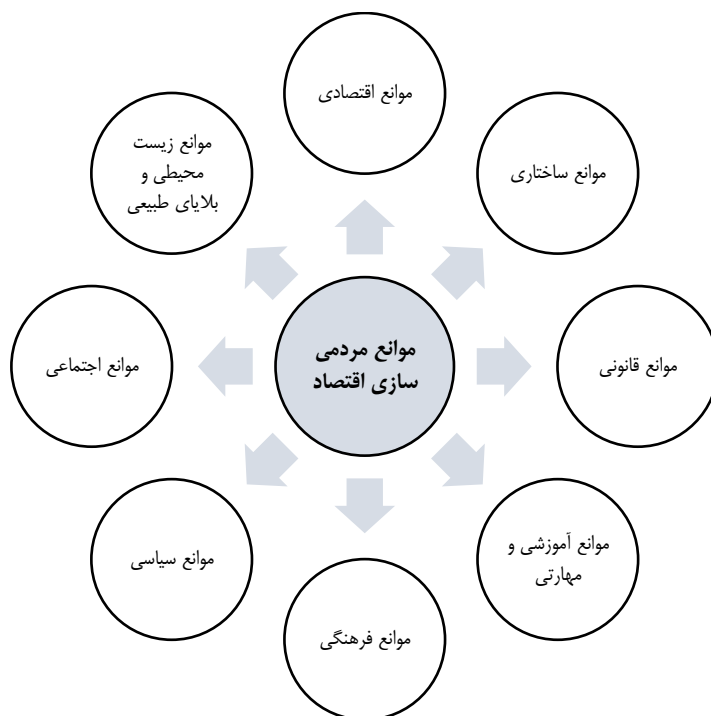
هـ. موانع زیست محیطی

- اثرگذاری بر موانع اجتماعی: تخریب محیط زیست می تواند نابرابری های اجتماعی و اقتصادی را تشدید کند، زیرا با ایجاد هرگونه چالش در اجزای محیط زیست اعم از آب، خاک، هوا یا ... ممکن است زمینه های سوءاستفاده برخی افراد فرصت طلب فراهم گردد. به عنوان مثال، در صورتی که پتانسیل های زیست محیطی یک منطقه مانند چوب درختان توسط سوداگران قطع و مورد سوءاستفاده قرار گیرد، زمینه اشتغال بسیاری از افراد از بین خواهد رفت.
- ارتباط با موانع اقتصادی: تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی می توانند هزینه های اقتصادی را افزایش دهند و منابع مالی را محدود کنند. به بیان دیگر، از بین رفتن اجزای محیط زیست موجب کاهش منابع طبیعی در بلندمدت شده و در پی آن، زمینه های ایجاد اشتغال کاهش می یابد.

تبیین نحوه اثرگذاری مضامین فراگیر بر یکدیگر

الف. اثرگذاری علی و چندبعدی

- موانع اقتصادی به عنوان علت اصلی: بسیاری از مضامین مانند ساختاری، اجتماعی و زیست محیطی، تحت تأثیر مستقیم نوسانات اقتصادی و بی ثباتی مالی هستند.
 - تعامل بین شاخص ها: به عنوان مثال، ضعف نظام آموزشی (موانع آموزشی) می تواند به افزایش نرخ بیکاری (موانع اقتصادی) و کاهش اعتماد اجتماعی (موانع اجتماعی) منجر شود.
- ب. زنجیره های اثرگذاری
- چرخه معیوب: تورم بالا (موانع اقتصادی) → محدودیت منابع مالی (موانع قانونی) → کاهش سرمایه گذاری در آموزش (موانع آموزشی) → کاهش مهارت ها و انگیزه ها (موانع فرهنگی و اجتماعی).
 - تأثیر هم افزایی: بهبود سیاست های اقتصادی می تواند موجب افزایش شفافیت قانونی، بهبود ساختارها و تقویت سرمایه اجتماعی شود.



شکل ۱. الگوی پیشنهادی پژوهش: مدل موانع مردمی سازی اقتصاد ایران

۵. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات:

اقتصاد مردمی، اقتصادی است مبتنی بر مردم و برای مردم. در اقتصاد مردمی، امکان نقش‌آفرینی همه‌ی آحاد مردم به‌طور عادلانه، شفاف و تبعیض‌ناپذیر متناسب با توانمندی افراد در هر زمان و مکان در راستای خلق ارزش اقتصادی و پیشرفت جامعه امکان‌پذیر است. این پژوهش با هدف بررسی موانع مشارکت مردمی در نظام اقتصادی ایران و ارائه راهبردهایی جهت ارتقاء مشارکت مردمی در نظام اقتصادی ایران انجام شد. لازم به توضیح است، برای درک عمیق‌تر از این مسأله مهم، پیشنهاد می‌شود مطالعه مشابهی با رویکرد نظریه بنیانی برای تئوری‌سازی و ارائه یک مدل پارادایمیک بومی مبتنی بر داده‌های عمیق انجام شود.

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در راستای مردمی‌سازی اقتصاد ایران ۸ مانع اصلی وجود دارد. این موانع عبارتند از موانع اقتصادی، موانع ساختاری، موانع قانونی، موانع آموزشی و مهارتی، موانع فرهنگی، موانع سیاسی، موانع اجتماعی و موانع زیست محیطی و بلایای طبیعی. به زعم بسیاری از پژوهشگران موانع اقتصادی و ساختاری مهم‌ترین موانع فراروی مردمی‌سازی اقتصاد ایران هستند. یافته‌های این پژوهش با شواهد موجود در مطالعات آهنگری و همکاران (۱۳۸۹)، جلالی اسفندآبادی و صمیمی (۱۳۹۳)، حبیبی و باقری نصرآبادی (۱۳۹۶)، سرخه‌دهی و نادری‌نژاد (۱۳۹۵)، کراری و همکاران (۱۳۹۸)، جنیدی جعفری و سلیمی (۱۴۰۱)، احمدی (۱۴۰۲)، عبدالمحمد سقا و طاهری (۱۴۰۳) و ندیری و همکاران (۱۴۰۳) همسو است. در همین راستا، آهنگری و همکاران (۱۳۸۹) اذعان نمودند که بهبود نهادهای دموکراتیک (کیفیت نهادی) برای رشد اقتصادی سودمند است. همچنین برای رسیدن به رشد بیشتر در جامعه باید سیاست‌هایی را اجرا کرد که موجب افزایش سطح تحصیلات، ایجاد نهادهای دموکراتیک، عدم دخالت دولت در اقتصاد، افزایش سرمایه‌گذاری و مشارکت افراد به‌خصوص زنان در امور اقتصادی گردند. از نظر جلالی اسفندآبادی و صمیمی (۱۳۹۳) افزایش اندازه دولت، نوسان نرخ ارز و تورم دائمی، موانع افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنایع کوچک و متوسط هستند. شواهد مطالعه کراری و همکاران (۱۳۹۸) نیز حاکی از این است که عدم اجرای اسناد بالادستی و عدم حمایت از بخش تعاون به‌ویژه حمایت مالی، موانع تحقق اقتصاد مردم‌محور در ایران هستند. به زعم جنیدی جعفری و سلیمی (۱۴۰۱) موانع مشارکت اقتصادی مردم، قوانین دست و پاگیر، قاچاق، واردات بی‌رویه، فساد مالی، کارشکنی‌های اداری، انحصار و ورود تصدی‌گرانه دولت است. حبیبی و باقری نصرآبادی (۱۳۹۶) نیز در تبیین اولویت‌های نهادی برای رفع موانع کلیدی مشارکت مردم در جهاد اقتصادی به این نتیجه دست یافتند که ناکارآمدی ساخت‌های فرهنگی و اجتماعی، کم‌رنگ بودن فرهنگ کار و تلاش، ضعف سازوکارهای نهادی و تنظیمی، فرهنگ عمومی جامعه، وجود ساختارهای پیچیده و بوروکراتیک اداری، عدم تبیین درست مفهوم مشارکت اقتصادی، موانع کلیدی مشارکت مردم در اقتصاد هستند. بنابر اظهار سرخه‌دهی و نادری‌نژاد (۱۳۹۵) یکی از وجوه مطرح در مردمی‌سازی اقتصاد، بستر ارزشی و فرهنگی مردم جامعه است. برخی از ارزش‌های فرهنگی و خلیقات نهادینه‌شده در جامعه ایرانی، ضد پیشرفت و اهداف اقتصاد مقاومتی است. این موضوع به‌عنوان یک چالش در حوزه مردمی‌سازی اقتصاد قابل توجه است. از جمله رفتارهای منبعث از بستر ارزشی و فرهنگی موجود عبارتند از فساد و تقلب در سیستم اداری، عدم صراحت در بیان عقاید، تقدیرگرایی، منفعت‌طلبی، ترجیح منافع فردی بر منافع ملی، کم‌کاری و پرهیز از کار مولد. این معضل‌های فرهنگی در فرایند تاریخی شکل‌گیری خود به دلایل مختلفی در جامعه نهادینه شده است. به زعم عبدالمحمد سقا و طاهری (۱۴۰۳) در زمینه مشارکت افراد در اداره‌ی عمومی، بیش از چهل معضل وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در چهار گروه حقوقی-سیاسی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و فنی دسته‌بندی کرد؛ همچنین از نظر بسیاری از محققان، موانع فرهنگی-اجتماعی مهم‌ترین چالش‌های موجود بر سر راه مشارکت مردمی است و در رتبه بعدی موانع سیاسی - حقوقی قرار دارند. شواهد موجود در مطالعه ندیری و همکاران (۱۴۰۳) نیز حکایت از این دارد که تعاونی‌ها به مثابه یک ابزار در راستای سیاست‌های مردمی و مشارکتی کردن اقتصاد است. تعاونی‌ها فراتر از اینکه خود یک شیوه سازماندهی مشارکتی اقتصادی-اجتماعی هستند، امکاناتی را برای مشارکت اقتصادی می‌توانند در اختیار سیاست‌گذاران اقتصادی قرار دهند. مقصود از مردمی‌کردن اقتصاد در قوانین و سیاست‌های ایران توجه به مؤلفه‌هایی نظیر پیوند فکری و منافع کسب‌وکار مردم با مسائل جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی، سهیم‌شدن مردم در تصمیمات ملی اقتصادی، دادن نقش و مسئولیت‌های اقتصادی ملی به مردم، سازماندهی سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی مردم در میدان اقتصاد ملی با انحصارزدایی از اقتصاد و نیز خارج کردن مردم از حالت توده‌وار و تبدیل آن‌ها به کمک تقسیم کار ملی در اقتصاد به اقشار و اصناف و گروه‌های ذی‌نفع است. همچنین ندیری و همکاران (۱۴۰۳) با مرور تجربه کشورهای دیگر مشخص نمودند که آن‌ها با فراهم آوردن منابع مالی مشارکتی، به زد و بندهای مالی کمتری گرایش پیدا می‌کنند و در ازای دریافت‌های مالی، تعهدات غیراقتصادی به گروه‌های خاص نمی‌دهند. از سوی دیگر تعاونی‌ها همچون یک نهاد میانی و واسطه، با سازماندهی مردم و خارج کردن آن‌ها از شکل توده‌ای، امکان ارتباط مسئولان با مردم و برعکس برای اجرای پروژه‌های ملی، مشارکت در تصمیمات ملی، انتفاع از منافع نهایی پروژه‌ها و آموزش عمومی مردم

را فراهم می‌آورند. بنابراین، شناخت و توانمندسازی حوزه تعاون و تعاونی‌ها از طریق تدوین نظام‌نامه آموزش، تخصیص هدفمند و بهینه منابع، تسهیل‌گری و تنظیم‌گری صحیح در این عرصه به منظور خلق ارزش اقتصادی و اجتماعی حوزه تعاون و تعاونی‌ها، باید در بازننگری قوانین و مقررات این حوزه مورد توجه متولیان امر قرار گیرد. به زعم الدهیلان (۲۰۰۷) مشکلات مسافت، حمل‌ونقل، تعطیلات طولانی، دیدگاه منفی نسبت به زنان شاغل، محیط کار مختلط، قوانین کار، تسهیلات مراقبت از کودکان موانع مهم مشارکت زنان در اقتصاد عربستان سعودی محسوب می‌شوند. افزون بر این، میا و همکاران (۲۰۲۲) اظهار نمودند که توسعه پایدار جامعه به مشارکت و برنامه‌ریزی جامعه بستگی دارد. این فعالیت‌ها شامل تأمین نیازهای اجتماعی و مالی شهروندان برای حمایت از آن‌ها است. شواهد موجود در پژوهش گریچ (۲۰۲۳) مبین این است که شیوه‌های مصرف مشارکتی در جامعه اروپایی با وجود تغییرات در روندهای اقتصادی جهانی همچنان در حال گسترش است. یافته‌های پژوهش سودیرجو و همکاران (۲۰۲۴) نیز حاکی از این است که آموزش کسب‌وکار مبتنی بر نوآوری، کلید اصلی تقویت مشارکت جامعه در توسعه اقتصادی محلی در عصر پویای کنونی است. این راهبردها بر ادغام فناوری در برنامه درسی، همکاری بین دانشگاه‌ها، صنایع و دولت، یادگیری عملی، توسعه آگاهی اجتماعی و مسئولیت تجاری، مشارکت مستقیم جامعه در فرآیند یاددهی-یادگیری، تحریک خلاقیت و کارآفرینی، ادغام با برنامه‌های توسعه جامعه و همچنین رویکردهای بین‌رشته‌ای برای حل مشکل تأکید دارند. بنابراین، پرداختن به موانع مردمی‌سازی اقتصاد مستلزم اتخاذ و اجرای راهبردهایی جامع است که رشد و توسعه اقتصادی فراگیر، ثبات اقتصادی، حفاظت اجتماعی، پایداری محیط‌زیست و حکمرانی خوب را ارتقاء و بهبود ببخشد؛ بدین منظور راهبردهای ذیل ارائه شده است:

ایجاد شفافیت اقتصادی:

- توسعه سامانه‌های شفافیت مالی و اطلاعاتی در سطوح مختلف حکومتی و اقتصادی.
- تسهیل دسترسی شهروندان به اطلاعات مالی، برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی.

تقویت آموزش و مهارت‌آموزی:

- طراحی دوره‌های آموزشی مهارتی و کارآفرینی برای اقشار مختلف جامعه.
- همکاری با رسانه‌ها برای افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت مشارکت اقتصادی.
- ارتقای نظام آموزشی برای همگام‌سازی آن با نیازهای بازار کار.

کاهش موانع قانونی و ساختاری:

- اصلاح قوانین و مقررات برای حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط.
- بهبود فرآیندهای اداری برای کاهش دیوان‌سالاری و ساده‌سازی روندها.
- ایجاد زیرساخت‌های حمایت از مشارکت مردمی در سیاست‌گذاری‌ها و پروژه‌های اقتصادی.

ایجاد انگیزه‌های اقتصادی:

- طراحی مشوق‌های مالیاتی برای مشارکت افراد و شرکت‌ها در طرح‌های مردمی‌سازی اقتصاد.
- حمایت از تعاونی‌ها و اقتصادهای محلی برای افزایش توانمندسازی جامعه.
- ارائه تسهیلات بانکی با شرایط آسان برای کارآفرینان.

ترویج فرهنگ کارآفرینی و همکاری اجتماعی:

- ایجاد کمپین‌های آگاهی‌بخشی با هدف ترویج ارزش‌های کارآفرینی و همکاری جمعی.
- آموزش مفاهیم اقتصادی و کارآفرینی در مدارس و دانشگاه‌ها.
- تقویت فرهنگ پاسخگویی و اعتمادسازی میان مردم و دولت.

افزایش سرمایه اجتماعی:

- توسعه بسترهای مشارکت جمعی در پروژه‌های اجتماعی و اقتصادی.
- افزایش اعتماد عمومی از طریق شفافیت و کاهش فساد اقتصادی.
- ارتقای روحیه همکاری و همبستگی میان مردم برای تقویت اقتصاد مردمی.

حمایت از فناوری و نوآوری:

- استفاده از فناوری‌های نوین برای تسهیل ارتباطات و مشارکت شهروندان در پروژه‌های اقتصادی.
- ایجاد پلتفرم‌های آنلاین برای جمع‌آوری پیشنهادهای ایده‌های مردم در حوزه اقتصاد.

توجه به مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی:

- تدوین سیاست‌های اقتصادی سازگار با محیط زیست.
 - کاهش تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی برای افزایش مشارکت همگانی.
- از این رو، بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد‌های کاربردی زیر در راستای ارتقای مشارکت مردمی در نظام اقتصادی ایران ارائه می‌گردد.
- بررسی موانع مردمی سازی اقتصاد نشان می‌دهد که الگویی که بتواند با جلب مشارکت عمومی باعث مشارکت مردم در اقتصاد و جهش تولید شود، باید در گام نخست به دنبال احیای اعتماد عمومی باشد. این مهم از طریق مبارزه قاطع با فساد، اثربخش کردن مجازات و پرهیز از شعارزدگی، عمل به وعده‌های مسئولین، صداقت و شفاف بودن مسئولان با مردم، تقویت مسئولیت‌پذیری و تقویت فرهنگ پاسخ‌گویی در میان مسئولین تحقق می‌یابد. لازمه مشارکت مردم در شکوفایی اقتصادی و جهش تولید، اعتماد به مردم و نقش‌آفرینی آنها در تصمیم‌گیری‌ها است. اگر مردم به معنای واقعی امکان نقش‌آفرینی در تصمیم‌گیری‌ها را داشته باشند و احساس اثرگذاری کنند، در عرصه تولید نیز حضور پررنگ‌تری خواهند داشت. همچنین نقش‌آفرینی مردم در لایه‌های مدیریتی، نظارتی و تولید و رفع موانع مردمی سازی اقتصاد، و نقش‌آفرینی مردم در حوزه افزایش سهم درآمدهای غیرنفتی در بودجه کشور، در این راستا می‌تواند سازنده باشد.
 - وجود یک نهاد متولی که بتواند ضمن اشراف و رصد وضعیت اقتصادی کشور، موانع قانونی و ساختاری مردمی سازی اقتصاد را برطرف نماید، لازم و ضروری است. با اینکه مرکزی با عنوان ستاد مردمی سازی اقتصاد در نهاد ریاست جمهوری وجود دارد، اما این نهاد به دلایل متعدد، ظرفیت و کارآمدی لازم و اختیارات کافی را ندارد. برای اجرایی شدن قوانینی مانند قانون رفع موانع تولید، باید نهادی قوی برای رصد کارایی قوانین ایجاد شود تا در صورت تخلف از قوانین موجود به صورت جدی برخورد شود.
 - با توجه به اینکه اقتصاد مردمی تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری بیشتری در برابر بحران‌ها دارد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود حاکمیت برای تحقق اقتصاد مردمی، شرایط فعال‌سازی کلیه امکانات، منابع مالی، سرمایه‌های انسانی و علمی کشور را در فعالیت‌های اقتصادی فراهم نموده و در شرایط بحران اقتصادی، سرمایه‌های عظیم مردمی را به کار گیرد. اجرای این اهداف و راهبردها، بدون ایجاد نظام منسجم و هدفمند اقتصادی و طراحی سازوکارهای مناسب آن میسر نخواهد بود.
 - تلاش برای مهار تورم و ایجاد ثبات اقتصادی با توجه جدی به خردجمعی خبرگان و نخبگان اقتصادی و تصمیم‌گیری دولتمردان با در نظر گرفتن اصول و قوانین اقتصادی، بهره‌گیری از فرصت‌های نوظهور اقتصاد دیجیتال، بهبود وضعیت امور صندوق توسعه ملی و در نتیجه، تلاش برای افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، تلاش برای کوچک و چابک‌سازی دولت و افزایش بهره‌وری با کاهش فشارهای داخلی بر تولیدکنندگان و بخش خصوصی.
 - با توجه به اینکه یکی از پیش‌نیازهای مشارکت مردم در اقتصاد، امیدآفرینی در کشور است؛ بنابراین، تلاش برای افزایش و ترمیم سرمایه اجتماعی و سیاسی و تلاش حداکثری برای گشایش در فضای سیاست بین‌الملل می‌تواند منجر به ارتقاء مشارکت مردم در اقتصاد و شکوفایی اقتصادی گردد.
 - یکی از راهبردهای استفاده از آحاد مردم برای مشارکت در اقتصاد این است که پروژه‌ها و طرح‌های اقتصادی با تجمیع سرمایه‌های خرد و کوچک، انجام شود. برای استفاده درست از سرمایه‌های سرگردان مردم، پیشنهاد می‌شود برون‌سپاری مجموعه‌های مختلف دولتی در قالب واگذاری سهام آنها به بخش مردمی صورت پذیرد. در پروژه‌های کلان مانند نیروگاه‌های اتمی نیز باید شرایط برای حضور و نقش‌آفرینی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی فراهم گردد. روند افزایش سپرده‌گذاری ارزی نیز باید در کشور سریع‌تر توسعه پیدا کند و ارزی که در دست مردم است وارد چرخه اقتصاد شود.
 - پیشنهاد می‌شود موانع حضور بیشتر مردم در بخش‌های اقتصادی برطرف شود. یکی از مهم‌ترین راهبردهای این مانع‌زدایی، واگذاری تصدی‌گری دولتی به بخش مردمی اقتصاد و استفاده از ظرفیت تعاونی‌ها و توسعه آنها با نقش‌آفرینی مستقیم خود مردم است. بنابراین، تقلیل مداخله‌ها و تصدی‌گری دولتی و حکومتی در مسائل اقتصاد و تغییر رویکرد به نظارت، حمایت و هدایت در حوزه اقتصاد، در این راستا می‌تواند اثربخش باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود دولت حضور خود در اقتصاد را محدود به نظارت و هدایت منابع کند و از دخالت‌های مقداری و قیمتی غیرضروری و بنگاه‌محوری و دخالت‌های دستوری بی‌مورد اجتناب نماید.
 - بیشترین چالش نظام بانکی در بخش تصدی‌گری بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است که سبب شده این بنگاه‌ها جای بخش مردمی را در اقتصاد کشور تنگ کنند. لذا، خروج بانک‌ها از تصدی‌گری می‌تواند به افزایش حضور مردم در اقتصاد کمک کند.

- دسترسی محدود به آموزش باکیفیت و آموزش مهارتی یکی از موانع مردمی‌سازی اقتصاد است، بنابراین پیشنهاد می‌شود آموزش و توسعه مهارت‌آموزی در دستور کار قرار گیرد. سرمایه‌گذاری در آموزش و برنامه‌های توسعه مهارت می‌تواند به افراد کمک کند تا دانش و مهارت‌های لازم را برای مشارکت در اقتصاد کسب کنند. علاوه بر این، مهارت می‌تواند به بهره‌وری، نوآوری، کارآفرینی و رقابت بالاتر منجر شود. افزون بر این، آماده‌سازی بستر لازم برای آموزش‌های فراگیر و روش‌های حضور مردم در تولید می‌تواند افراد را در راستای کسب دانش و مهارت‌های لازم برای مشارکت مؤثر در اقتصاد یاری رساند.
- استفاده از رسانه ملی و مدارس فنی و حرفه‌ای گامی بلند در راستای نهضت آموزش برای شکوفایی و رونق اقتصادی از طریق مشارکت مردمی است. تشویق به کارآفرینی و ارائه حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط می‌تواند فرصت‌های شغلی ایجاد کند، رشد اقتصادی را تحریک کند و نوآوری را پیش ببرد. این را می‌توان از طریق دسترسی به بودجه، برنامه‌های راهنمایی و خدمات توسعه کسب‌وکار انجام داد.
- باتوجه به اینکه برخی از دستگاه‌های اجرایی تاکنون به درگاه ملی صدور مجوزهای کسب‌وکار متصل نشده‌اند، بنابراین ساماندهی صدور مجوزهای کسب‌وکار در این راستا می‌تواند راهگشا بوده و نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه را افزایش دهد.
- تقویت همکاری و ارتباط بین صنعت، دانشگاه، دولت و جامعه مدنی و سایر ذینفعان نظیر تشکل‌ها و نهادهای بخش تعاونی و خصوصی می‌تواند از منابع، تخصص و شبکه‌ها برای پیشبرد مردمی‌سازی اقتصاد و جهش تولید استفاده نماید.
- اجرای سیاست‌های فراگیر که برابری، عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر را برای همه‌ی افراد جامعه ترویج نماید، می‌تواند به کاهش فقر، نابرابری و طرد اجتماعی کمک نموده و در نتیجه به یک اقتصاد با ثبات‌تر و شکوفاتر منجر شود.
- ایجاد و نگهداری زیرساخت‌های تولیدی نظیر شبکه‌های حمل‌ونقل، سیستم‌های ارتباطی و تأسیسات می‌تواند محیط مساعدی برای افزایش نرخ فعالیت‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری ایجاد کند.
- باتوجه به این که یکی دیگر از موانع تحقق مردمی‌سازی اقتصاد، ساختار بورس است؛ پیشنهاد می‌شود موانع شفافیت بورس برداشته شود و شفاف‌سازی اطلاعات و مقررات حائز اهمیت است.

درخصوص محدودیت‌های پژوهش، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- عدم ارائه یک مدل پارادایمیک به دلیل انتخاب روش تحلیل مضمون؛ بدین منظور استفاده از مصاحبه‌های عمیق و بکارگیری روش نظریه‌بنیانی برای تئوری‌سازی و تبیین روابط میان متغیرها پیشنهاد می‌شود.
- عدم انجام رتبه‌بندی موانع شناسایی شده؛ بدین منظور پیشنهاد می‌شود با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی، موانع مردمی‌سازی اقتصادی اولویت‌بندی گردد.

۶. منابع

- احمدی، سعیده (۱۴۰۲). موانع و چالش‌های مشارکت عمومی و مدل پیشنهادی جهت افزایش مشارکت مردمی در جهش تولید، *امنیت اقتصادی*، ۱۱(۱۲)، ۸۱-۹۶.
- آهنگری، عبدالمجید؛ مهرگان، نادر، و رضایی، روح‌اله (۱۳۸۹). مردم‌سالاری و رشد اقتصادی: بررسی کمی جهانی، *رفاه اجتماعی*، ۱۰(۳۶)، ۱۱-۲۶.
- بردی‌آنا مرادنژاد، رحیم؛ بوذری، سیما و حسینی‌دوست، سودابه (۱۳۹۲). نقش مشارکت مردمی در اقتصاد و مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر امل). *اقتصاد و مدیریت شهری*، ۱(۳)، ۱۲۷-۱۳۸.
- جلایی اسفندآبادی، سیدعبدالمجید و صمیمی، سپیده (۱۳۹۳). بررسی موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران (در راستای سیاست‌های کلی ابلاغی نظام). *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۲(۷)، ۸۹-۱۰۹.
- جنیدی‌جعفری، مهدی و سلیمی، غلامرضا (۱۴۰۱). نقش مردم در اقتصاد از منظر رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی)، *پژوهش‌های کاربردی اقتصاد مقاومتی*، ۱، ۱۲۷-۱۶۸.
- حبیبی، محسن و باقری نصرآبادی، محسن (۱۳۹۶). بررسی اولویت‌های نهادی برای رفع موانع کلیدی مشارکت مردم در جهاد اقتصادی، *مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۰(۷۴)، ۲۸-۵.

- حسینی‌فرد، سید محمد؛ توحیدی‌نیا، ابوالقاسم و نادران، الیاس (۱۴۰۲). تبیین مفهوم اقتصاد مردمی از منظر دوگانه اصالت فرد و جامعه، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۵(۱)، ۲۵-۵۲.
- سرخه‌دهی، فاطمه و نادری‌نژاد، ریحانه (۱۳۹۵). *اقتصاد مردمی منطقه مشترک اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، پنجمین کنفرانس ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- عبدالمحمد سقا، امین و طاهری، علی (۱۴۰۳). موانع مشارکت مردم در امور عمومی و بیان راهکارهای ارتقای آن برای گسترش مشارکت همگانی در راستای سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۱۲(۴۷)، ۶۸۶-۷۲۰.
- کراری، مرجان؛ امام جمعه‌زاده، سیدجواد و مقتدایی، عباس (۱۳۹۸). تحقق مردم‌سالاری دینی از رهگذر اقتصاد مردم‌محور در ایران مطالعه موردی: شناسایی مشکلات بخش تعاون استان اصفهان، *رهیافت/انقلاب اسلامی*، ۱۳(۴۷)، ۲۳-۴۲.
- کامرانی، شراره؛ بقایی‌سرابی، علی و میرزایی، خلیل (۱۴۰۱). تحلیل مضمون موانع حکمرانی مطلوب در نظام تشکیلی ایران (مطالعه‌ای در انجمن صنایع لوازم خانگی ایران)، *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱(۳۸)، ۶۷-۹۴.
- محمدی‌پور، احمد و دیباوند، هادی (۱۳۹۸). بررسی اقتصاد مردمی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی: پیشنهادهایی برای قانون برنامه هفتم، *دین و قانون*، ۷(۲۴)، ۸۴-۱۱۸.
- ندیری، معصومه؛ عزت‌آبادی‌پور، حسام و ضرغام افشار، محمدتقی (۱۴۰۳). الزامات و راهکارهای مشارکتی کردن اقتصاد به کمک تعاونی‌ها، *ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، ۳۲(۱۰)، ۱-۳۸.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۱). الگوی مردم‌سالاری اقتصادی، *بستر آزادی اقتصادی، اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۴۸)، ۵۳-۷۶.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۴). مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی، *بستر تولید ملی پایدار عدالت‌محور، اقتصاد اسلام*، ۱۴(۵۳)، ۵۷-۸۳.

- Abhari, K., & McGuckin, S. (2023). Limiting factors of open innovation organizations: A case of social product development and research agenda. *Technovation*, 119, 102526. <https://doi.org/10.1016/j.technovation.2022.102526>
- Audretsch, D. B., & Belitski, M. (2023). The limits to open innovation and its impact on innovation performance. *Technovation*, 119, 102519. <https://doi.org/10.1016/j.technovation.2022.102519>
- Banka, M., Suplewska, I., Trzaskowska-Dmoch, A., & Boulange, P. (2023). Coworking space vs. support for start-ups under accelerator programmes. *Procedia Computer Science*, 225, 3736-3744. <https://doi.org/10.1016/j.procs.2023.10.230>
- Chang, C.-C. (2013). *Portfolio company selection criteria: Accelerators vs. venture capitalists* (Master's thesis).
- Chesbrough, H. W. (2003). *Open innovation: The new imperative for creating and profiting from technology*. Harvard Business School Press.
- Chesbrough, H. W. (2006). *Open innovation: The new imperative for creating and profiting from technology*. Harvard Business Press.
- Christiansen, J. (2009). *A framework for developing seed accelerator programmes* (Master's thesis, University of Cambridge).
- Cohen, S. L. (2014). *Accelerating startups: The seed accelerator phenomenon*. *SSRN Electronic Journal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2418000>
- Garavito Hernandez, Y., & Rueda Galvis, J. F. (2021). Innovation and patents as a business success factor. *Journal of Economics, Finance and Administrative Science*, 26(51), 143-159. <https://doi.org/10.1108/JEFAS-08-2019-0173>
- Hallen, B. L., Bingham, C. B., & Cohen, S. L. (2014). Do accelerators accelerate? A study of venture accelerators as a path to success. *Academy of Management Proceedings*, 2014(1), 15987. <https://doi.org/10.5465/ambpp.2014.15987abstract>
- Han, J., & Heshmati, A. (2021). Innovation and SMEs patent propensity in Korea. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 42(1-2), 51-68.

- Heinemann, F. (2015). *Corporate accelerators: A study on prevalence, sponsorship, and strategy* (Master's thesis, Massachusetts Institute of Technology).
- Hjalmarsson, A., Johannesson, P., Juell-Skielse, G., & Rudmark, D. (2014). Beyond innovation contests: A framework of barriers to open innovation of digital services. In *Proceedings of the 22nd European Conference on Information Systems (ECIS 2014)*.
- Isabelle, D. A. (2013). Key factors affecting a technology entrepreneur's choice of incubator or accelerator. *Technology Innovation Management Review*, 3(2), 16–22.
- Jun, S.-P. (2021). Technology integration and analysis using boosting and ensemble. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 7(1), 27. <https://doi.org/10.3390/joitmc7010027>
- Kumar, S., Dubey, M., Mehdi, H., Kalla, S., & Krishanan, R. (2024). A study of Industry 4.0 for circular economy and sustainable development goals in the environment of VUCA. *Journal of Innovations in Business and Industry*.
- Kupp, M., Marval, M., & Borchers, P. (2017). Corporate accelerators: Fostering innovation while bringing together startups and large firms. *Journal of Business Strategy*, 38(6), 47–53. <https://doi.org/10.1108/JBS-10-2016-0129>
- Malek, K., Maine, E., & McCarthy, I. P. (2014). A typology of clean technology commercialization accelerators. *Journal of Engineering and Technology Management*, 32, 26–39. <https://doi.org/10.1016/j.jengtecman.2013.10.004>
- Marullo, C., Casprini, E., Di Minin, A., & Piccaluga, A. (2018). Ready for take-off: How open innovation influences startup success. *Creativity and Innovation Management*, 27(4), 476–488. <https://doi.org/10.1111/caim.12284>
- Mohammadi, N., & Sakhteh, S. (2023). Start-up accelerator value chain: A systematic literature review. *Management Review Quarterly*, 73(2), 661–694. <https://doi.org/10.1007/s11301-021-00233-4>
- Rauter, R., Globocnik, D., Perl-Vorbach, E., & Baumgartner, R. J. (2019). Open innovation and its effects on economic and sustainability innovation performance. *Journal of Innovation & Knowledge*, 4(4), 226–233. <https://doi.org/10.1016/j.jik.2018.03.001>
- Richter, N., Jackson, P., & Schildhauer, T. (2018). Outsourcing creativity: An abductive study of open innovation using corporate accelerators. *Creativity and Innovation Management*, 27(1), 69–78. <https://doi.org/10.1111/caim.12237>
- Rossi, M., Chouaibi, J., Graziano, D., & Festa, G. (2022). Corporate venture capitalists as entrepreneurial knowledge accelerators in global innovation ecosystems. *Journal of Business Research*, 142, 512–523. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2021.12.061>
- Santoso, A. S. (2024). Effectuation in digital multi-sided platform startups: An entrepreneurial journey through open innovation process. *Digital Business*, 4(2), 100085. <https://doi.org/10.1016/j.digbus.2023.100085>
- Seitz, N., Lehmann, E. E., & Haslanger, P. (2024). Corporate accelerators: Design and startup performance. *Small Business Economics*, 62(4), 1615–1640. <https://doi.org/10.1007/s11187-023-00771-7>
- Shankar, R. K., & Shepherd, D. A. (2019). Accelerating strategic fit or venture emergence: Different paths adopted by corporate accelerators. *Journal of Business Venturing*, 34(5), 105886. <https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2018.06.004>
- Spender, J.-C., Corvello, V., Grimaldi, M., & Rippa, P. (2017). Startups and open innovation: A review of the literature. *European Journal of Innovation Management*, 20(1), 4–30. <https://doi.org/10.1108/EJIM-10-2015-0099>
- Trabucchi, D., Buganza, T., Muzellec, L., & Ronteau, S. (2021). Platform-driven innovation: Unveiling research and business opportunities. *Creativity and Innovation Management*, 30(1), 6–11. <https://doi.org/10.1111/caim.12435>
- Urbaniec, M., & Žur, A. (2021). Business model innovation in corporate entrepreneurship: Exploratory insights from corporate accelerators. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 17(2), 865–888. <https://doi.org/10.1007/s11365-020-00693-9>